تصویر ابو عبد الرحمن الكردي

تحلیلی بر ملّی گرایی

بیداری
اتحاد
برادری
پیروزی

تألیف: محمد قادری



تحلیلی بر ملی گرایی

تالیف: محمد قادری درمان آباد

سرشناسه	: قادری، محمد، ۱۳۵۷-
عنوان و نام پدید آورنده	: تحلیلی بر ملی گرایی
مشخصات نشر	: تهران: پویان فرنگار، ۱۳۸۷.
مشخصات ظاهری	: ۹۶ ص
شابک	: ۴۰۰۰۰ ریال: 978-964-96205-6-5
وضعیت فهرست نویسی	: فیپا
یادداشت	: کتابنامه: همچنین بصورت زیر نویس.
موضوع	: ملی گرایی
رده بندی کنگره	: ۱۳۷۸ ۳ت۲ ق/۳۱۱ JC
رده بندی دیویی	: ۳۲۰/۵۴۰۱
شماره کتابشناسی	: ۱۵۱۲۶۶۳

انتشارات پویان فرنگار

تلفن: ۳۳۳۴۰۷۵۸

صندوق پستی: ۱۴۳-۱۷۱۱۵ فاکس: ۳۳۳۲۴۵۹۵

E-mail:pooyanfarnegar@yahoo.com همراه: ۰۹۱۲۱۲۸۶۳۷۹

تحلیلی بر ملی گرایی

تالیف: محمد قادری درمان آباد

ویراستار : جهانگیر بابائی طرح جلد: پویان فرنگار

چاپ اول : ۱۳۸۸ تعداد : ۲۰۰۰ چاپ :سیمرغ

شابک: ۵-۶-۹۶۲۰۵-۹۶۴-۹۷۸ ISBN: 978-964-96205-6-5

کلیه حقوق چاپ و نشر برای ناشر محفوظ است

قیمت: ۱۵۰۰ تومان

فهرست مطالب

عنوان | صفحه

قبل از مطالعه کتاب اشاره به چند نکته ضروریست

۱-در فصل آخر هنگام بحث از انحرافات مسلمانان هدف تنها، آشکار کردن نمونه‌هایی از انحرافات مسلمانان بوده است چرا که مسئله‌ی ظهور انحرافات و بحران هویت مسلمانان و ریشه‌یابی آن موضوعی مفصل است و جای عبرت، تأمل و تحقیق همه‌جانبه است.

۲- در بعضی موارد که به تعریف و تأیید حکومت اسلامی پرداخته‌ام هدفم حکومت راستین الهی است یعنی حکومتی که انسانیت عقلانیت و شایسته‌سالاری در آن ملاک و معیار باشد مانند حکومت عمر بن عبدالعزیز (رحمه‌الله‌علیه).

۳- در مورد نقد و اعتراض به رفتار حکام عثمانی شاید بعضی از اسلامگرایان اعتراض و گلایه داشته باشند اما واقعیت این است که ضمن احترام کامل برای برخی از حکام نامبرده به‌ویژه سلطان عبدالحمید باید حقیقت را پذیرفته قبول داشته باشیم که درماندگی و عدم توجه آن‌ها به برخی از مسایل کلیدی و مهم در ظهور ملی‌گرایی نقش داشته است و لذا من ضمن اینکه هزاران درود و سلام را به روح تمام فرمانروایان خدا پسند می‌فرستم حقیقت را هم پنهان نکرده‌ام و آنچه تشخیص داده‌ام اظهار نموده‌ام.

۴- در این کتاب هیچ فرد، گروه و حکومتی را غیر از دولت عثمانی تأیید یا تخطئۀ نه نموده‌ام بلکه تلاش کرده‌ام تا اصل تفکر ناسیونالیسم را مورد تحلیل و بررسی قرار دهم و با چشم اندازی کوتاه بر ملی‌گرایی کوشش نموده‌ام تا برای همه روشن شود که اقوام و ملت‌های جهان با هم برادرند و برابر. و هرگونه انحراف از مسیر برابری و برادری جهانی عصیان در برابر خرد و منطق است، برخلاف قوانین الهی و حرکتی غیر اصولی در جهت سرپیچی از حقوق مردم قلمداد می‌شود.

به امید اینکه این طرز تفکر پذیرفته شود و مورد توجه جویندگان حقیقت و رزمندگان راه محبت، برادری و برابری واقع گردد.

بسم الله الرحمن الرحیم

مقدمه

خداوند متعال برای پیشرفت و تکامل جوامع بشری محبت ملت و زادگاه را در نهاد هر انسانی به ودیعه گذاشته است اما تمام خواسته‌ها و تحرکات انسان تنها هنگامی مورد اعتماد و قابل ارزش کامل هستند که تابع رهنمودهای الهی باشند و براساس قوانین پر حکمت خدا پایه‌ریزی شده باشند مسئله‌ی ملی‌گرایی هم از این قانون مستثنی نیست یعنی انسان باید آگاه باشد و هنگام شنیدن افکار ملی‌گرایانه و بحث و تبادل نظرات در این مورد سقراط گونه [۱] چهار اصل شکیبایی، تأمل، بصیرت و بی‌طرفی را فراموش نکند تا غافلگیر نشود و فریب نخورد اما متأسفانه در سراسر جهان معاصر در مورد ملی‌گرایی افراط و تفریط اعمال می‌شود و اکثراً شیوه‌ی معقول تعامل با افکار ملی‌گرایانه نادیده گرفته می‌شود اکنون که ناسیونالیسم عملاً و با قدرت کامل فرمانروا محرک افکار در بسیاری از کشورهای جهان است خیلی با اهمیت است که شیوه‌ی درست و صحیح تعامل با این پدیده روشن گردد تا مسلمانان ضمن ارج نهادن به پایه‌های معقول ملی‌گرایی از فریب استعمارگران بپرهیزند و دقت داشته باشند تا بازیچه‌ی افکار و دسیسه‌های آنان نشوند هدف از نوشتن

[۱] – سقراط در سال ۴۶۸ یا ۴۶۹ یا ۴۷۰ ق.م در آتن متولد شده است به کتاب (سقراط) تالیف: منوچهر ترابی. ص ۴۷ مراجعه شود.

سقراط می‌گوید: "لازمه قضاوت، شکیبایی به هنگام شنیدن تأمل به هنگام گفتن و بصیرت به هنگام رسیدگی، بی‌طرفی به هنگام قضاوت است."

رجوع شود به مرجع فوق ص ۸۱.

این کتاب تحقیق این هدف است در جهان معاصر گروها و کسانی بدون توجه به این خواسته طبیعی و الهی بطور کامل احساسات ملی را نادیده گرفته‌اند آن‌ها از این واقعیت بی‌خبرند که پیدایش ملت‌ها براساس اراده‌ی خداوند بوده و تلاش کوششهای بسندیده در این زمینه ممدوح و مورد تایید است این نوع تفکر نه تنها صحیح نیست بلکه گاهی اوقات یک نوع تجاهل محسوب می‌گردد و در نهایت به سستی و انحراف در مورد ملت و میهن کشیده می‌شود این دسته از مردم باید از خود سؤال کنند که اگر موضوعات ملی قابل بحث و تبادل نظر نیست پس چرا خداوند برای آن خط و نشان کشیده است؟

از طرفی دیگر افراد و گروه‌های در نهایت تعصب در آتش میهن‌پرستی سوخته‌اند و مداوم سرگرم پرستش آنند اما این نوع تفکر هم صحیح نیست چرا که انسان بزرگ‌تر از آن است که به پرستش ملت و میهن بپردازد. و احساسات ملی را با اعتقادات دینی درآمیختن و برتر دانستن ملت و میهن بر هر چیز دیگری، ترازوی سنجش را از درون انسان ربوده، منجر به فریب انسان خواهد شد در اعتقادات اسلامی افراط و تندروی جایز نیست و انسان آزاد است و سرور موجودات است و لذا هر چه بر روی زمین قرار دارد برای خدمت به او آفریده شده است به همین دلیل معکوس نشان دادن مسایل ملّی و زیاده‌روی در محبّت مردم و سرزمین کاری است بر خلاف فطرت سالم انسانی و متضاد با آزادگی و شرافتمندی انسان. به همین دلیل در بخش اول کتاب به رد ملی‌گرایی افراطی پرداخته‌ام و براساس دلایل عقلی و تاریخی تلاش کرده‌ام تا پوچی و فرومایگی آن را آشکار سازم.

در بخش دوم کتاب برای راهنمایی و هدایت و چگونگی ابراز محبّت نسبت ملّت و میهن به تحقیق و تحلیل مختصری از ملی‌گرایی براساس

آیه‌ای از قرآن و احادیثی از پیامبر و اصول و قواعد شریعت اسلامی اقدام کرده‌ام و همزمان با محکوم نمودن هر دو دیدگاه (اغراق در محبّت ملّت و میهن و تساهل در آن) کوشیده‌ام تا دیدگاه سوم را که دیدگاه تایید و کنترل ملی‌گرایی است در معرض دید جویندگان حقیقت قرار دهم این نوع دیدگاه اگر با دقت و تیزبینی دنبال شود ستون فقرات دشمن را در هم می‌شکند و تمام اقوام و ملّت‌ها را با اتحاد و انسجام کامل به اهداف و مقاصد خود می‌رساند.

در آخر کتاب در چشم‌اندازی کوتاه بر علل و عوامل فروپاشی دولت ترک‌های عثمانی توضیح داده‌ام که ظهور ستم ملّی هم یکی از عواقب وخیم سقوط دولت نامبرده بوده است چرا که عقب‌افتادگی سلاطین عثمانی و عمل نکردن آن‌ها براساس تعالیم حیاتی اسلام موجب ظهور افکار انحرافی شد و ملّت‌های مسلمان را به دام اختلاف و تفرقه انداخت تا آنجا که در مقابل هم سنگر گرفتند.

اگر فرمانروایان عثمانی با آگاهی کامل و دقت کافی گام برمی‌داشتند می‌توانستند با شناخت دقیق عواطف و اعتقادات ملی‌گرایانه و اجرای عدالت و گسترش پایه‌های برادری مانع غلبه‌ی دسیسه‌های استعمارگران شوند، اما متأسفانه این کار انجام نشد. اکنون چنانکه گفتم همه می‌دانند که ملی‌گرایی در جهان معاصر جایگاه مشخصی دارد و در برخی موارد تا درجه‌ی یک معبود پیشرفت نموده است و لذا بر مسلمانان لازم است که راهکارهای لازم و ابزارهای مفید را به‌کار گیرند تا بتوانند چنانکه شایسته است مسؤولیت خود را در قبال پدیده‌ی نامبرده ادا نمایند.

فشرده‌ی مطلب این است که مسلمانان باید بدانند که اغراق در محبت ملت و میهن افراد و جوامع بشری را گمراه می‌گرداند همچنانکه سرکوب احساسات و باورهای ملّی‌گرایانه‌ی معقول به نتایج معکوس و

بازتاب منفی می‌انجامد چرا که طرز تفکر و ایده‌ها مانند شیشه‌اند هر چه خردتر شوند تیزتر خواهند شد و لذا راه‌حل مشکلات جوامع مسلمان تایید جوانب مثبت ناسیونالیسم و کنترل آن‌ها است تا سنگر وحدت و اتحاد ملّت‌ها محکم و پا بر جا نگاه داشته شود و مردم به‌جای کوخ‌های ویران ملّی‌گرایی افراطی در کاخ مجلل برادری با رعایت حقوق همدیگر و عدالت و مساوات کامل زندگی کنند چراکه اگر برادری و برابری بر جوامع مسلمان سایه افکند بعید نیست که تمام گروه‌ها حول محور انسانیت و شایسته‌سالاری گرد آیند و با وجود ایدئولوژی‌های متفاوت و نوع حکومت‌های گوناگون با هم برادرانه زندگی کنند اکنون در کشورهای مسلمان این مسئله حایز اهمیت است که لاجرم باید یک نوع گذشت و احترام متقابل وجود داشته باشد تا تمام اهداف ملّی و الهی تحسین شوند و هنگام بروز اختلافات در مقابل هم سنگر نگیریم برخی از افراط‌گرایان ملّی و تندروهای مسلمان به هنگام شنیدن نظرات مخالف فوراً به فکر جنگ کردن و سنگر گرفتن می‌افتند اما این طرز تفکر و شیوه‌ی تعامل صحیح نیست.

همه دیدیم که اسلامگرایان در ترکیه مجبور نشدند که از راه شورش و انقلاب حکومت را در دست گیرند چرا که نوعی عقلانّیت و طرفداری از حقوق مردم در کار بود. در یمن هم با توجه به عدم وجود حکومت اسلامی عبدالمجید زندانی و اسلامگرایان میانه‌رو براساس گفته‌های خودشان[1] با حکومت برادرانه زندگی می‌کنند و مشکلی ندارند پس راه‌حل زندگی با هم و خدمت به مردم اجتناب از افراط و تندروی و

---

۱ – مدتی قبل در شبکه (الجزیره) رئیس‌جمهوری یمن و عبدالمجید زندانی را مشاهده کردم که با احترام و رضایت کامل از همدیگر یاد کردند.

احترام به رأی اکثریت دقت و تیزبینی در برخورد با پدیده‌ها و جریانات است تعامل صحیح با مسئله ملت و ملی‌گرایی هم در این راستا حائز اهمیت است چرا که ملی‌گرایی درست مانند اسلحه‌ای است که اگر در دست افراد شایسته و لایق باشد دشمن را هدف قرار می‌دهد و در غیر این‌صورت قبل از هر کسی سینه‌های خودمان را پاره می‌گرداند من معتقدم که در این کتاب راه معقولی را برای تعامل با مسایل ملّی و میهنی ارائه داده‌ام و امیدوارم که در حقیقت هم همچنان باشد.

از خداوند متعال خواهانم که هرچه بیشتر ما را در راه خدمت به دین خود و برای گام برداشتن در جهت بدست آوردن رضایت خود یاری فرماید.

محمد قادری ۸۶/۱۲/۱۵ روستای بصره

لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ وَأَنزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ مَن يَنصُرُهُ وَرُسُلَهُ بِالْغَيْبِ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ «به راستی [ما] پیامبران خود را با دلایل آشکار روانه کردیم و با آنها کتاب و ترازو را فرود آوردیم تا مردم به انصاف برخیزند و آهن را که در آن برای مردم خطری سخت و سودهایی است پدید آوردیم تا خدا معلوم بدارد چه کسی در نهان او و پیامبرانش را یاری می‌کند آری خدا نیرومند شکست ناپذیر است» (سوره حدید)

بخش اول: تعریف و شناخت ملی گرایی

فصل اول: تعریف ملی گرایی

فصل دوم ظهور ملی گرایی در جهان و ورود آن به جهان اسلام

چند تذکر لازم:

لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ وَأَنزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ مَن يَنصُرُهُ وَرُسُلَهُ بِالْغَيْبِ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ «به راستی [ما] پیامبران خود را با دلایل آشکار روانه کردیم و با آنها کتاب و ترازو را فرود آوردیم تا مردم به انصاف برخیزند و آهن را که در آن برای مردم خطری سخت و سودهایی است پدید آوردیم تا خدا معلوم بدارد چه کسی در نهان او و پیامبرانش را یاری می‌کند آری خدا نیرومند شکست ناپذیر است» (سوره حدید)

در این آیه خداوند (ج) اعلام می‌فرماید که پیامبران خود را همراه دلایل روشن، کتاب‌های آسمانی و قدرت تشخیص حق و باطل فرستاده است تا ملّت‌ها و اقوام جهان را با عدالت با هم رهبری کنند اما ملی‌گرایی افراطی حرکتی غیر اصولی در جهت سرپیچی از قانون اخوت، برادری و برابری میان ملّت‌های جهان است و لذا غیر از کاشتن تخم جبهه گیری و کینه توزی در میان ملّت‌ها راندمان دیگری برای بشریت ندارد.

آری ملّت‌های جهان که در اصل از یک خانواده و فرزندان آدم و حوا هستند ملی‌گرایی افراطی آن‌ها را به جان هم انداخته و در آتش جبهه گیری‌ها، غارت و چپاول ثروت‌های همدیگر آنان را می‌سوزاند.

اینک برای شناخت بهتر در این فصل به تعریف ملی گرایی شناخت و بررسی کوتاهی در مورد ملی گرایی افراطی می پردازیم.

فصل اول: تعریف ملی‌گرایی

۱- ملی‌گرایی معتدل

میهن‌دوستی معقول و منطقی نه اینکه مخالف مصالح انسانی و تحقق برادری در بین ملّت‌های جهان نیست بلکه پدیده‌ای کاملاً طبیعی بوده و ریشه در اعماق تاریخ دارد.

در این مورد به تعریفات زیر توجه فرمایید:

۱- «کارلنون هیس» می‌گوید: ملّت یک گروه مستقل سیاسی است که جهان بینی و میراث فرهنگی مشترک دارند.

۲- «بوبگی» می‌گوید: ملّت مجموعه‌ای از افراد است که عامل خاک، خون، یا زبان، فرهنگ و تاریخ آنان را بهم پیوند داده است.

۳- «سالو و بارون» ملّت و ناسیون را چنین تعریف کرده است: کلمه ناسیون بر گروهی از مردم اطلاق می‌شود که در سرزمین واحدی زندگی کنند و نهادهای سیاسی مشترک آنان را پیوند دهد.

این تعریفات را می‌توان بر ملی‌گرایی معتدل و معقول اطلاق کرد چرا که از هیچ‌گونه ظلم و تجاوز به حقوق دیگران بحثی به میان نیامده است.

ملی‌گرای معتدل قابل ارزش و احترام است و چنانچه در بخش دوم این کتاب به اثبات خواهیم رساند تایید می‌گردد. اما آنچه برای وحدت جوامع انسانی خطر و تهدید محسوب می‌شود ملی‌گرایی افراطی و سوء استفاده از اصول و پایه‌های ملی و میهنی می‌باشد اینک به تعریف مختصری از آن هم می‌پردازیم.

۲- ملی‌گرایی افراطی

۱- دائره المعاریف آمریکا می‌نویسد:" از مفاهیم با اهمیت ناسیونالیسم وفاداری بیش از حدّ به ملّت است از دیگر شعارهای ملی‌گرایی افراطی می‌توان افتخار به میراث‌های ملی و اعتقاد عمیق به برتری ملّتی بر سایر ملّت‌ها نام برد."

۲- «هانس کوهن» می‌گوید:" اعتقاد عمیق به دوست داشتن میهن و وفاداری به آن و اشتراک در تعیین سرنوشت آن اساس ناسیونالیسم است ناسیونالیسم هنگامی طبیعی قلمداد می‌شود که هیچ چیز مانع از وفاداری در راه میهن نشود."

۳- «علی باپیر» می‌گوید: "ناسیۆنالیزم یانی نەتەوە و نیشتمان پەرستی" یعنی ناسیونالیسم به معنی پرستش نژاد و میهن است.[1]

در این تعریفات هم به موضوع سوء استفاده از اصول و پایه‌های ملی‌گرایی تصریح شده است. این موضوع بارها در تاریخ روی داده است و برخی با سوء استفاده از نام مردم و سرزمین به غارت و چپاول ثروت دیگران و افراد و گروه‌ها پرداخته و با اعتقاد به برتری نژادی و میهنی اقدام به خون‌ریزی کرده‌اند خطرناک‌تر از همه اینها حتی به تحریف تاریخ هم پرداخته‌اند ویل دورانت در این مورد می‌گوید: "قرن نوزدهم ناسیونالیسم را کشف کرد و تقریباً همه‌ی تاریخ نویسان را فاسد کرد[2]."

---

۱ - برای تمام تعریفات به کتاب‌های زیر مراجعه فرمایید: کتاب "اسلام و ملی‌گرایی" تألیف دکتر علی محمد نقوی ص ۵۰ تا ۵۲ و کتاب "سۆزی نەتەوایەتی" تألیف علی باپیر ص ۹۹.

۲ - کتاب "اسلام و ملی‌گرایی" دکتر علی محمد نقوی چ دوم بهار ۱۳۶۴ دفتر نشر فرهنگ اسلامی ص ۸۳

اکنون با توجه به تعریفات گذشته به تعیین و تعریف پایه‌های ملی‌گرایی بپردازیم:

۱- *سرزمین جغرافیایی:*

سرزمین جغرافیایی یکی از اصول و پایه‌های ملی‌گرایی محسوب می‌شود داشتن مرز جغرافیایی معیّن به شرط عدم اعتقاد به برتری و تجاوز نکردن به ملّت‌های دیگر پدیده‌ای کاملاً طبیعی است هرچند هم وحدت در شکل و تشکلات وسیع‌تر با اهمیّت‌تر است به عنوان نمونه وحدت براساس اعتقاد و ایدئولوژی، وحدت براساس اصول انسانی و وحدت براساس قاره‌ها که امروزه در جهان مشاهداتی در این زمینه جلب توجه می‌کند مثلاً کشورهای اروپایی به شیوه‌ای منطقی و اصولی در تلاش هستند تا مرزهای جغرافیایی خود را از میان بردارند و اروپای واحد را تشکیل دهند.

۲- *دین:*

یگانگی دین عامل پیوند دهنده مهمی بوده و می‌تواند باشد این پایه از پایه‌های ملی‌گرایی به ویژه در میان مؤمنان می‌تواند کاملاً مؤثر باشد. لازم به ذکر است که هرچند ادیان الهی برای پاک کردن درون انسان‌ها از رزائل آمده‌اند اما برخی اوقات تعصبات خشک مذهبی و کج فهمی در مسائل و موضوعات دین به عواقب خطرناک می‌انجامد.

به هر حال آنچه شایان توجه است دین ذاتاً عامل مفید و مؤثر است اما پیروان دین را نمی‌توان عاری از کاستی‌ها و نواقص دانست.

۳- *زبان:*

بسیاری از ناسیونالیست‌ها زبان مشترک را مهمترین عامل وحدت ملّت می‌دانند هر چند وحدت براساس زبان هم به شرط سوء استفاده نکردن از آن ناپسند نیست اما این موضوع که آیا زبان می‌تواند عامل وحدت باشد جای تردید است چرا که امروزه در جهان ملّت‌ها و کشورهای زیادی هستند که با وجود تنوع زبان‌ها در کنار هم و متحد زندگی می‌کنند مثلاً در سوئیس سه زبان رسمی و متفاوت وجود دارند و در هندوستان حدود ۳۰۰ لهجه گوناگون.

۴- *نژاد:*

نژادگرایی و احساس وحدت بر مبنای خون یکی دیگر از ارکان ناسیونالیسم است در رابطه با نژادگرایی هم باید گفت وحدت و اتحاد براساس آن هم به شرط سوء استفاده نکردن از آن معقول و مفید است هرچند سؤالات بسیاری هم در این مورد وجود دارد از جمله چرا ملی‌گرایان اتحاد براساس نژاد در نصف راه متوقف کرده‌اند و به اتحاد براساس نژاد اصیل‌تر و کهن‌تر آن یعنی نیاکان تمام انسان‌ها (آدم و حوا) نمی‌اندیشند؟

۵- *تاریخ و فرهنگ مشترک:*

یکی دیگر از اصول و مبانی ناسیونالیسم تاریخ و فرهنگ مشترک است اما اگر تاریخ و فرهنگ مشترک را مبنای وحدت ملّی قرار دهیم دچار سرگردانی خواهیم شد چرا که در طول تاریخ مرز جغرافیایی کشورهای بارها تغییر کرده است اما باز هم وحدت و

اتحاد براساس تاریخ و فرهنگ مشترک هم به شرط سوء استفاده نکردن از آن امری غیر منطقی نیست.[1]

۶- بستگی‌های مشترک اقتصادی

تا آن جا که من اطلاع دارم نخستین بار کارل مارکس بستگی‌های اقتصادی را به عنوان یکی از عوامل تشکیل دهنده ملّت طرح کرد و واقعیّت تاریخی و حقیقت امر هرچه باشد تحلیل‌گران مسائل ملّی بستگی‌های مشترک اقتصادی را از اصول و پایه‌های ملی‌گرایی قلمداد کرده‌اند و این بستگی‌ها ذاتاً خوب و پسندیده‌اند اما استفاده‌های غیر معقول از آن‌ها خلاف منطق و دلیل می‌باشد و آن را در دایره ملی‌گرایی افراطی قرار می‌دهد.

چشم اندازی بر عواقب ملی گرایی

در این بحث تلاش خواهیم کرد تا به نقد عواقب و نتایج ملی‌گرایی بپردازیم و اثبات کنیم که ملی‌گرایی افراطی نه اینکه درمان دردها نیست بلکه علت‌العلل بسیاری از ناکامی‌ها، کاستی‌ها و شکست‌ها نیز می‌باشد.

---

۱ همه متفکرانی که دربارهٔ ملت سخن دارند از برخی از عوامل که وجود آن‌ها به ظهور ملت کمک کرده است نام می‌برند. مهم‌ترین این عوامل عبارتند: "از نژاد، دین، زبان، بستگی های جغرافیایی، بستگی‌های مشترک اقتصادی و تاریخ یا سنت‌های مشترک". اما در مورد وجود داشتن یکایک آن‌ها اتفاق نظر نیست.

برای آگاهی بیشتر به کتاب "بنیادهای علم سیاست" تألیف: عبدالرحمن عالم ص ۱۵۲ تا ص ۱۶۰ مراجعه شود.

اینک در تعقیب هدف مذبور و برای اثبات نظر خود به یازده نتیجه و آثار از نتایج مخرّب و ویرانگر ملی‌گرایی افراطی تصریح نموده و به تشریح مختصری از آن‌ها می‌پردازم:

۱- *ناسیونالیسم افراطی خلاف وجدان و منطق است.*

انسان مخلوقی موجودی خیر خواه و مهربان آفریده شده است و لذا جز خیر و نیکی برای دیگران چیز دیگری را در نظر ندارد اما ملی‌گرایی افراطی با به‌کارگیری احساسات ملّی و میهنی در راه های خلاف به عوام فریبی پرداخته و تلاش می‌کند ملّت‌های جهان را از هم جدا نماید عقلاء و اندیشمندان می‌گویند:

«بنی آدم اعضای یک‌دیگرند که در آفرینش ز یک گوهرند
چو عضوی بدرد آورد روزگار دگر عضوها را نماند قرار»

"سعدی شیرازی"

«ساده‌ترین درس زندگی این است که هرگز کسی را میازار»

"ژان ژاک رسو"

«میان آدمیان چیزی نیست جز دیوارهایی که خود ساخته‌اند»

"تولستوی"

«خود را بزرگ شمردن نشانه‌ی بدبختی است»

"امرسون"

«من بر این باورم که هدف در زندگی مفید بودن، مسئول بودن، شریف بودن و مهربان بودن است»

"لئوراستن"

«انسان همانند رودخانه است هرچه عمیق‌تر باشد آرام‌تر است.»
"مونتسکیو".[۳]

اما ملی‌گرایی افراطی چنانکه گفته شد همه‌ی موارد فوق و تمام اصول و قواعد انسانی را زیر پا گذاشته و انسان را به سوی جنگ و درگیری ترغیب می‌کند و می‌کوشد جهان آرام و صمیمی و مملو از لذت و شادی را به جهانی پر از جنگ و ستیز تبدیل نماید. عقل و منطق می‌گویند: حقوق هر انسان و ملّتی هنگامی پایان می‌یابد که مرز حقوق دیگران شروع می‌گردد. اما ملی‌گرایی افراطی همه‌جا و در هر زمان حق مشروع خود می‌داند هر چیزی که خواست انجام دهد و کاملاً در جهت خلاف عقل و منطق گام برمی‌دارد در نتیجه جز تحقیر دیگران و برافروختن شعله‌های جنگ و ستیز در میان ملّت‌ها راندمان ارمغانی دیگر برای انسان ندارد.

۲- ناسیونالیسم افراطی وارداتی است.

گذشته از اینکه ناسیونالیسم افراطی تفکری وارداتی به جهان اسلام است این پدیده با فطرت سالم انسانی هم نا سازگار است چون اصل فطرت و نهاد انسان آن را نمی‌پسندد بهترین دلیل بر این عقیده کراهت ذاتی انسان و نفرت آن از ظلم تکبر و تجاوز است و دوستی با عدالت برادری و برابری. این موضوع نشان می‌دهد که طرز تفکر ناسیونالیسم افراطی پدیده‌ای وارداتی بر فطرت سالم انسان‌هاست و عاری از عقایق برخاسته از روش‌های انسان دوستانه است.

۳- ملی‌گرایی ملت و میهن را خدا قرار می‌دهد:

---

۳ – رجوع شود به مجله موفقیت شماره‌های ۱۲۲ و ۱۲۶ و ۱۲۴

لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ وَأَنزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ مَن يَنصُرُهُ وَرُسُلَهُ بِالْغَيْبِ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ«به راستی [ما] پیامبران خود را با دلایل آشکار روانه کردیم و با آنها کتاب و ترازو را فرود آوردیم تا مردم به انصاف برخیزند و آهن را که در آن برای مردم خطری سخت و سودهایی است پدید آوردیم تا خدا معلوم بدارد چه کسی در نهان او و پیامبرانش را یاری می‌کند آری خدا نیرومند شکست ناپذیر است» (سوره حدید)

در این آیه خداوند (ج) اعلام می‌فرماید که پیامبران خود را همراه دلایل روشن، کتاب‌های آسمانی و قدرت تشخیص حق و باطل فرستاده است تا ملّت‌ها و اقوام جهان را با عدالت با هم رهبری کنند اما ملی‌گرایی افراطی حرکتی غیر اصولی در جهت سرپیچی از قانون اخوت، برادری و برابری میان ملّت‌های جهان است و لذا غیر از کاشتن تخم جبهه گیری و کینه توزی در میان ملّت‌ها راندمان دیگری برای بشریت ندارد.

آری ملّت‌های جهان که در اصل از یک خانواده و فرزندان آدم و حوا هستند ملی‌گرایی افراطی آن‌ها را به جان هم انداخته و در آتش جبهه گیری‌ها، غارت و چپاول ثروت‌های همدیگر آنان را می‌سوزاند.

اینک برای شناخت بهتر در این فصل به تعریف ملی گرایی شناخت و بررسی کوتاهی در مورد ملی گرایی افراطی می پردازیم.

فصل اول: تعریف ملی‌گرایی

۱- ملی‌گرایی معتدل

میهن‌دوستی معقول و منطقی نه اینکه مخالف مصالح انسانی و تحقق برادری در بین ملّت‌های جهان نیست بلکه پدیده‌ای کاملاً طبیعی بوده و ریشه در اعماق تاریخ دارد.

در این مورد به تعریفات زیر توجه فرمایید:

۱- «کارلنون هیس» می‌گوید: ملّت یک گروه مستقل سیاسی است که جهان بینی و میراث فرهنگی مشترک دارند.

۲- «بوبگی» می‌گوید: ملّت مجموعه‌ای از افراد است که عامل خاک، خون، یا زبان، فرهنگ و تاریخ آنان را بهم پیوند داده است.

۳- «سالو و بارون» ملّت و ناسیون را چنین تعریف کرده است: کلمه ناسیون بر گروهی از مردم اطلاق می‌شود که در سرزمین واحدی زندگی کنند و نهادهای سیاسی مشترک آنان را پیوند دهد.

این تعریفات را می‌توان بر ملی‌گرایی معتدل و معقول اطلاق کرد چرا که از هیچ‌گونه ظلم و تجاوز به حقوق دیگران بحثی به میان نیامده است.

ملی‌گرای معتدل قابل ارزش و احترام است و چنانچه در بخش دوم این کتاب به اثبات خواهیم رساند تایید می‌گردد. اما آنچه برای وحدت جوامع انسانی خطر و تهدید محسوب می‌شود ملی‌گرایی افراطی و سوء استفاده از اصول و پایه‌های ملی و میهنی می‌باشد اینک به تعریف مختصری از آن هم می‌پردازیم.

احترام به رأی اکثریت دقت و تیزبینی در برخورد با پدیده‌ها و جریانات است تعامل صحیح با مسئله ملت و ملی‌گرایی هم در این راستا حائز اهمیت است چرا که ملی‌گرایی درست مانند اسلحه‌ای است که اگر در دست افراد شایسته و لایق باشد دشمن را هدف قرار می‌دهد و در غیر این‌صورت قبل از هر کسی سینه‌های خودمان را پاره می‌گرداند من معتقدم که در این کتاب راه معقولی را برای تعامل با مسایل ملّی و میهنی ارائه داده‌ام و امیدوارم که در حقیقت هم همچنان باشد.

از خداوند متعال خواهانم که هرچه بیشتر ما را در راه خدمت به دین خود و برای گام برداشتن در جهت بدست آوردن رضایت خود یاری فرماید.

محمد قادری ۸۶/۱۲/۱۵ روستای بصره

لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ وَأَنزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ مَن يَنصُرُهُ وَرُسُلَهُ بِالْغَيْبِ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ «به راستی [ما] پیامبران خود را با دلایل آشکار روانه کردیم و با آنها کتاب و ترازو را فرود آوردیم تا مردم به انصاف برخیزند و آهن را که در آن برای مردم خطری سخت و سودهایی است پدید آوردیم تا خدا معلوم بدارد چه کسی در نهان او و پیامبرانش را یاری می‌کند آری خدا نیرومند شکست ناپذیر است» (سوره حدید)

بخش اول: تعریف و شناخت ملی گرایی

فصل اول: تعریف ملی گرایی

فصل دوم ظهور ملی گرایی در جهان و ورود آن به جهان اسلام

چند تذکر لازم:

ازبدو پیدایش اولین انسان‌های روی زمین دین و پرستش خداوند مؤثرترین عامل در زندگی انسان بوده است و امروزه که صنعت و تکنولوژی پیشرفت کرده اهمیّت خدا و حضور دین بهتر روشن گردیده است تا جایی که دانشگاه حقوق پاریس بعد از یک هفته تحقیق در مورد اسلام و نظرخواهی از دانشمندان اسلامی در مورد چند مسأله اعلام کرد:" مطمئناً فقه اسلامی می‌تواند یکی از منابع اخذ قوانین باشد و احکام فقه اسلامی مصادر خوب حقوقی بوده می‌تواند جواب‌گوی تمام مسایل و مشکلات روز باشد." [۴] و دادگاه لاهه در سال ۱۹۳۷ تصویب کرد که اسلام هم یکی از منابع قانونی است. و دانشمندانی همچون پرفسور ادوارد مونته، ویلز، جورج سارتن، سرتوماس آرنولد و گوته و صدها دانشمند دیگر بعد از تحقیق و تحلیل‌های گوناگون به اهمیّت دین پی برده و به تعریف از آن پرداخته‌اند و در سایه‌ی پیشرفت علم بسیاری از نخبگان به دین گراییده‌اند [۵] اما ملی‌گرایی افراطی ملّت و میهن را در رتبه‌ی خداوند متعال قرار داده است و طرفداران خود را به پرستش و بندگی خود دعوت می‌کند، ارزش دین، مذهب و خداوند را نادیده می‌گیرد.

---

۴ – جریان فوق در سال ۱۹۵۱ بود به کتاب (دیمه‌نی شارستانیه‌تی رۆژ ئاوا) تالیف موسوی لاری ص ۱۴۵ تا ۱۴۶ مراجعه گردد.

۵ – برای آگاهی در مورد تعریف و تمجید دانشمندان از اسلام به کتاب (اعترافات دانشمندان بزرگ جهان) تالیف خلیل‌الله مردانی و همچنین به کتاب اعجاز قرآن در عصر فضا و تکنولوژی تألیف کمال روحانی مراجعه شود.

به عنوان نمونه به یکی از اظهارات علی ناصرالدین ملی‌گرای عرب توجه کنید او می‌گوید: "عربیسم از نظر ما خود دین است ما چه مسلمان و چه مسیحی مؤمنین ریشه داری هستیم! چرا که عربیت قبل از اسلام و قبل از مسیحیت بوده و به والاترین ارزش‌ها در ادیان آسمانی از اخلاق، شیوه عمل و فضایل و نیکی‌ها دعوت می‌کند" [۶] اما در جهان‌بینی اسلامی چنین طرز تفکری یک نوع گمراهی تلقی می‌گردد چرا که از دیدگاه دین انسان بسیار بالاتر و والاتر از آن است که برای زمین ، میهن و ملت به عبادت و بندگی بپردازد بلکه دقیقاً برعکس است یعنی جهان و هرچه در آن قرار دارد برای خدمت به انسان آفریده شده است و انسان خلیفهٔ الله است چنانکه قرآن کریم می‌فرماید: «و الارض وضعها للأنام» خداوند زمین را برای مردم آفریده است. «أنی جاعل فی‌الارض خلیفه» من می‌خواهم جانشینی را در زمین برای خود قرار دهم.

در این آیات ضمن ارج نهادن به مقام و منزلت انسان خداوند متعال به نفی هرگونه تحقیر از انسان پرداخته است البته فتوا دادن به تکفیر و ارتداد ملی‌گرایان افراطی هم جای بسی تعجّب و تأمّل است چرا که لازم نیست که طرف مقابل اسلام حتماً کافر باشد بلکه در مقابل اسلام کفر، نفاق و اهل فتره وجود دارند و تشخیص حقیقت در این موضوع کار بسی مهم و خطیر است و تنها کسانی توانائی کشف حقیقت را دارند که به

---

۶ - در این مورد به کتاب "العربیة و الاسلام" تالیف ابوالحسن ندوی و همچنین به کتابهای "مع القومیة العربیة" ص ۱۱۹-۱۲۰ و کتاب "الطریق الی الحکم الاسلامی" از استاد محمد علی الفناوی ص ۱۶۹-۱۷۰ مراجعه فرمایید.

طور کامل دین‌شناس باشند.[۷] در غیر اینصورت هر نوع قضاوت کاری خلاف و غیر منطقی تلقی می‌گردد.

۴- ناسونالیسم سبب تضعیف ملت‌ها خواهد شد

انحصار طلبی هر قوم و ملّتی از اقوام و ملّت‌های جهان و گوشه گیری ملّت‌ها در محدوده تنگ قوم گرایی به ملی‌گرایی منجر به گوشه گیری و انعزال از دیگر اقوام و ملّت‌ها خواهد شد بازتاب منفی این کار در برخی موارد تضعیف اقوام و ملتها خواهد بود و تنها استکبار از راندمان آن بهره مند خواهد شد و این همان هدفی است که امپریالیسم با به‌کارگیری سیاست «تفرقه بیانداز و حکومت کن» و از راه پیمان نامه "سایکس پیکو" در صدد به دست آوردن و رسیدن به آن بود و موفق هم شد اکنون در مقابل دسیسه‌های استعمارگران اتحاد و برداری مطرح نیست به جای امت مسلمان بحث از ترک، کرد، فارس و عرب است و راه غارت و چپاول ثروت ملّت‌های مسلمان آسان‌تر است آنچه اشاره به آن ضروری است این است که اگر می‌خواهیم دست استعمار قطع شود باید در جستو جوی غرس نمودن ریشه‌های درخت تنومند عدالت باشیم در غیر این صورت دشمن دلیل اشغالگری و مداخلات را به دست خواهد آورد.

۵- ناسونالیسم در خدمت امپریالیسم است.

ملی‌گرایی افراطی و تعصبات ملّی و میهنی موثرترین دلیل در دست سرمایه‌داران بین‌المللی و نظام‌های خودکامه است چرا که منافع ناسالم ملّی و میهنی، غارت و چپاول دیگران به نظام سرمایه‌داری کمک خواهد

---

۷ – در آخر این فصل چند تذکر مهم را در این زمینه یادآور می‌شوم.

کرد تا از تضاد ملّت‌ها استفاده کرده و در جنگ‌های میان آنان اسلحه و مهمات نظامی خود را به فروش برساند.

گذشته از آن ناسیونالیسم افراطی به نظام سرمایه‌داری کمک می‌کند تا از تعصبات خشک میهنی بهره‌های سیاسی و فرهنگی را نصیب خود گرداند و اقوام ملّت‌ها را در مقابل هم بسیج نماید.

۶- ناسیونالیسم افراطی عامل جنگ و خونریزی است.

از آن جهت که عوامل همبستگی و وحدت در ملی‌گرایان خاک، خون، میراث فرهنگی مشترک، نژاد و حدود جغرافیایی و... است.

ملی‌گرایی افراطی با سوء استفاده از این اصول در صدد است که ملّت‌های جهان را به جان هم انداخته و در کام مرگ و آشوب فرو برد اکنون با توجه به اینکه اکثریت تحلیل‌گران بر این باورند که عامل اصلی شروع جنگ‌های اول و دوم جهانی ایده و مرام ملی‌گرایی افراطی بوده است چشم‌اندازی کوتاه به نتایج این جنگ‌ها مطلب را بیشتر روشن خواهد کرد.

۱- جنگ جهانی اول (۱۹۱۴-۱۹۱۸)

در این جنگ پس از صف‌آرایی دولت‌های اروپایی در برابر یکدیگر طرفین تلاش کردند تا با قدرت‌نمایی امتیازهای بیشتری را از رقبای خود در اردوگاه مقابل به دست آورند این قدرت‌نمایی‌ها به وقوع بحران‌های متعددی انجامید که در نهایت شرایط را برای وقوع جنگ جهانی اول آماده ساخت و سرانجام این بحران‌ها عنان اختیار را از کف دولت‌ها ربود و آتش جنگ جهانی اول را شعله‌ور ساخت در طول این جنگ میلیون‌ها

انسان جان خود را از دست دادند و تنها سهم آلمان علاوه بر خسارات دیگر از دست دادن ۱۸۰۰۰۰۰ انسان بود[۸].

آری مهم‌ترین عامل شروع این جنگ غارت ثروت‌های دیگران، اعتقاد به برتری ملّتی بر دیگر ملّت‌ها بود که سرانجام به کابوس حیرت‌آور و بین‌المللی تبدیل شد و نزدیک بود که جهان را منهدم سازد.

۲- جنگ جهانی دوم (۱۹۴۵-۱۹۳۹م)

پس از جنگ جهانی اول برای مدتی کوتاه صفوف نیروهای مخالف و موافق با یکدیگر در میان کشورهای بزرگ چندان روشن نبود اما طولی نکشید بر اثر جنگ‌های داخلی اسپانیا با دو کشور آلمان و ایتالیا که مواضع مشترکی در مورد آنان داشتند با یکدیگر متحّد شدند و محور روم برلین را به وجود آوردند سپس چون این دو کشور با ژاپن در مورد مخالفت با کمونیسم و نیز امپراطوری بریتانیا هم‌عقیده بودند با هم متحد شدند و دول محور را به‌وجود آورند.

در مقابل انگلستان و فرانسه نیز با هم متحد شدند و با حمایت از دول کوچک اروپای شرقی چون لهستان، دول متفق "متفقین" را به‌وجود آوردند تا با تسلط نازیسم بر اروپای شرقی مقابله کنند سرانجام این مخاصمات منجر به حمله آلمانی‌ها در سپیده دم اول سپتامبر ۱۹۳۹ و گذشتن آن‌ها از مرزهای شمال غرب و جنوب لهستان با پشتیبانی ۴۰۰۰ هواپیما شد و برای دومین بار جنگ ویرانگر جهانی شروع شد هفده روز

۸ - کتاب "جنگ جهانی اول" چاپ دوم، تالیف: پیررنوون، ترجمه عباس آگاهی ص ۱۲۹ تا ۱۳۳

پس از حمله ارتش آلمان ارتش شوروی نیز به خاک لهستان حمله‌ور شد و تا پایان سپتامبر لهستان به تصرف آلمان و شوروی درآمد و در بین این دو کشور تقسیم گردید[9] و بار دیگر شعله‌ور شدن احساسات ملی‌گرایی افراطی سبب ظهور جنگ و خونریزی در جهان گردید.

۷- ناسیونالیسم افراطی در ایجاد وحدت و پیروزی ناتوان است.

هر چند ناسیونالیسم افراطی به ظاهر در راه وحدت و انسجام ملّت‌ها گام بر می‌دارد اما در میدان عمل در ایجاد وحدت و اتحاد ناتوان و درمانده است به عنوان نمونه چشم‌اندازی کوتاه بر مسئله فلسطین و کار مشترک اعراب جالب و شایان توجه است:

با توجه به اینکه "اتحادیه عرب" پیش از پیدایش اسرائیل (۱۹۴۵) تأسیس شده اما در خلال برگذاری سلسله‌ای از کنفرانس‌های سران به انگیزهٔ ظاهری رویارویی با مبارزه‌طلبی صهیونیستی مهم‌ترین مسئله‌ای که این اتحادیه در پیش رو داشت مشکل فلسطین بود. هرگاه اسراییل بخشی از طرح‌هایش را به مرحله اجراء می‌گذاشت شاهان (سران عرب) یکدیگر را به دیدار هم فرا می‌خواندند و با داعیه مقابله با توسعه طلبی صهیونیستی گرد هم می‌آمدند و با صدور بیانیه‌های مبنی بر تایید مسئله فلسطین و محکومیت صهیونیسم و فراخوان به همبستگی عربی به عنوان حداقل مرحله‌ای که درباره آن اتفاق نظر داشتند از یکدیگر جدا می‌شدند. و حتی در اتفاق نظر پیرامون این مقدار از شعارهای توخالی در مرحله نخست کنفرانس فاس ناکام ماندند و جلسه آنان بدون صدور حتّی یک

۹ – به کتاب "تاریخ جنگ جهانی دوم" تالیف سپهبد محمد نخجوان ص ۱۱۳-۱۰۹ مراجعه شود.

بیانه به پایان رسید. تصمیم اسراییل مبنی بر تغییر مسیر آب‌های رود اردن جهت بهره‌برداری از آن در صحرای نقب علت اصلی برگزاری نخستین کنفرانس در سال ۱۹۶۴ بود.

در دومین کنفرانس تصمیم گرفتند به اجرای طرح متقابل تغییر مسیر آب‌های اردن (که در نخستین کنفرانس سران به تصویب رسیده بود) ادامه دهند و بر لزوم تکامل نیروهای عربی تأکید ورزیدند.

در سومین کنفرانس سران عرب در مراکش در سال ۱۹۶۵ دربارهٔ مسئله فلسطین از برپایی سازمان آزادی بخش ابراز خشنودی کرده و آن را نماینده مردم فلسطین دانستند و منشور همبستگی اعراب را به امضاء رساندند.

چهارمین کنفرانس سران در خارطوم در سال ۱۹۶۷ برگزار شد.

در این کنفرانس بازپس‌گیری سرزمین‌های عربی حتی از طریق جنگ با اسراییل به تصویب رسید.

پنجمین کنفرانس سران در رباط در سال ۱۹۶۹ بود وجه تمایز این کنفرانس عدم صدور مصوبات بود.

ششمین کنفرانس در الجزایر در سال ۱۹۷۳ منعقد گردید وجه تمایز این کنفرانس صدور بیانه‌های متعدد خطاب به چندین هیئت بین‌المللی بود.

هفتمین کنفرانس سران در رباط در سال ۱۹۷۴ تشکیل شد عدم پذیرش هرگونه تلاش برای تحقق بخشیدن به راه‌حل‌های نیم‌بند در این کنفرانس به تصویب رسید.

در هشتمین کنفرانس در قاهره در سال ۱۹۷۶ بر پایبندی ملّی پیرامون حمایت از مقاومت فلسطین و تقویت توانایی‌های آن برای پایداری تأکید شد.

در نهمین کنفرانس سران که به دنبال کامپ دیوید و در بغداد در سال ۱۹۷۸ برگزار شد و موافقتنامه کامپ دیوید و پشتیبانی از جبهه پایداری و ایستادگی ملت فلسطین و سازمان آزادی‌بخش و شناسائی مسئله فلسطین به عنوان مسئله سرنوشت‌ساز اعراب و جوهر ستیز با دشمن صهیونیستی به تصویب رسید. در کنفرانس سران در ۱۹۷۹ بر مصوبات کنفرانس قبلی تأکید شد و در کنفرانس سران در عمان شرکت‌کنندگان تصمیم گرفتند که به مخالفت با موافقت‌نامه کامپ دیوید و ... ادامه دهند در دوازدهمین اجلاس سران در (فاس) در سال ۱۹۸۱ طرح فهد برای حل و فصل مسئله فلسطین موضوع اصلی اجلاس بود.

بعد از مروری کوتاه و سریع بر کنفرانس‌های اعراب اکنون به سخنان «میشل ابوجوده» پیرامون این کنفرانس‌ها توجه فرمایید تا به تحیّر اعراب و شکست آن‌ها پی ببرید «میشل ابو جوده» می‌گوید:

کنفرانس‌های سران عرب همواره به خاطر مشکلات عربی – عربی و برای پرهیز از پرداختن به موضوع اصلی بود من در تمام کنفرانس‌ها حاضر بودم، هدف این کنفرانس‌ها همیشه این بوده که چه کسی از ما بر دیگری پیروز می‌گردد و یا حق با چه کسی است! او می‌گوید:" افسوس که برای ما اعراب مسئله اسراییل مطرح نیست در حالیکه آنها شبانه‌روز به فکر مسئله اعراب هستند."[۱۰]

---

۱۰ – به مجلة "شئون العربیه" که از طرف اتحادیه عرب منتشر می‌شود مراجعه شود.

آری اگر ملی‌گرایی و آرمان‌های ملّی قابل اعتماد بود و می‌توانست عامل وحدت انسجام باشد اعراب و دولت‌های متعدد اعراب را متحد و منسجم می‌ساخت تا همگی و با پیروری از آرمانی مشترک در راه پیروزی بر اسراییل بسیج شده و دشمن مشترک خود را نابود کنند.

اما واقعیت این است که ملی‌گرایی و آرمان‌گرایی قومی و نژادی علاوه بر اینکه در تحقق وحدت و انسجام ملّت‌ها ناتوان و درمانده است علت‌العلل بسیاری از ناکامی‌ها، شکست‌ها و اختلافات میان ملّت‌ها است.

۸- ناسونالیسم افراطی طرحی فریب دهنده است.

ملی‌گرایی که در جهان سوم پا به عرصه نهاد و به ظاهر چنین به نظر می‌رسد که این مکتب سبب برچیدن بساط استعمار شده است. با تحلیلی دقیق روشن می‌گردد که واقعیت چیزی دیگری غیر از این است زیرا فرهنگ سلطه‌ی غربی‌ها با دین، مذهب، رسوم محلی، طرز زندگی و شیوه تفکر شرقیان سازگاری نداشت چه مکتب وارداتی نامبرده به این کشورها وارد می‌شد و چه وارد نمی‌شد عصیان در برابر طغیان استعمارگران اجتناب‌ناپذیر بود و انگیزه‌ی این شورش و انقلاب علیه استعمار در سطح توده‌ی مردم مذهب و اعتقادات دینی و نه احساسات ملی‌گرایی بود اما گروه کوچکی از فریب‌خوردگان وابسته به غرب هنگامی که درک کردند ادامه‌ی حاکمیت مستقیم استعمار [۱۱] ممکن نیست. با به راه انداختن کوس ملی‌گرایی رهبری مبارزات را به دست گرفتند تا پس از اخراج

[۱۱] - این واژه در لغت به معنای طلب آبادانی خواستن است و در فرهنگ سیاسی تسلط کشوری قوی بر کشوری ضعیف است در قرآن کریم در سوره هود آیه ۶۱ به معنای لغوی آن به کار رفته است.

کردن استعمار با پیاده کردن ارزش‌ها و سیستم‌های فرهنگی سلطه‌ی آن را به طور غیر مستقیم پا برجا نگاه دارند.

۹- اصول ملی‌گرایی متزلزل و عوام‌فریب است.

یکی دیگر از موارد متعدد مخالف دلیل و برهان بودن ملی‌گرایی افراطی وجود فانتزی و عوام‌فریبی در برخی از اصول و پایه‌های آن است. آری اگر دقیق به اصول مکتب ملی‌گرایی بنگریم خواهیم فهمید که این مکتب حتی در پایه‌ها و اصولش دارای فانتزی و عوام‌فریبی‌ها است و در خدمت سرمایه‌داران و بین‌المللی می‌باشد.

در این زمینه تنها اشاره به یک مورد کافی است.

به عنوان نمونه عامل نژاد را که یکی از اصول ملی‌گرایی است در نظر بگیریم: اکثر ملی‌گرایان نژاد را عامل مهم تشکیل‌دهندهٔ ملّت می‌پندارند اما با تحلیل دقیق و بررسی صحیح می‌توانیم وجود عوام فریبی و تاکتیک را در آن آشکار سازیم.

در توضیح مطلب باید گفت وقتی از انسان سئوال شود که نژاد چیست؟ جواب می‌دهیم: احساس وحدت و همبستگی بر مبنای خون است اما سئوال این است که اگر قرار باشد خون را قبله‌گاه و مبنای وحدت قرار دهیم (چنانکه ملی‌گرایی افراطی می‌گوید) پس چرا نخستین نیاکان خود را (آدم و حوا) را که سرآغاز نسل بشر بوده‌اند اصل و پایه قرار ندهیم و به همبستگی جهانی و برادری میان تمام ملّت‌های جهان نیاندیشیم اگر ناسیونالیسم افراطی هدفش ایجاد تفرقه و اختلاف میان ملّت‌های جهان نیست چرا داعیه‌ای نژادگرایی را در نیمه راه متوقف کرده

و از حقیقت گفتن خود را کنار می‌زند آیا اتحّاد و برادری جهانی بهتر و ارزنده‌تر است یا اتحاد و انسجام براساس ریشه‌های نژادی و قومی و در محدوده جغرافیایی معیّن؟ آیا داعیه قوم‌گرایی را سر زده و با این بهانه ملّت‌ها را در برابر هم قرار دهیم یا نسل انسان را متحّد سازیم.

۱۰- ناسیونالیسم افراطی برخلاف دموکراسی است.

"دموکراسی" حاکمیت هر ملّتی را بر سرنوشت خود به عنوان تنها راه اصولی تأیید و تحسین می نماید.

اما ملی‌گرایی افراطی با سوء استفاده و به‌کارگیری اصول و پایه‌های ملی‌گرایی در جهت خلاف خرد و منطق به غارت و چپاول دیگران می‌پردازد و حق حاکمیت را از مستضعفین سلب نموده و قوانین جنگلی و حیوانی را بر جوامع انسانی فرمانروا می‌سازد.

در سایه پیروی از ناسیونالیسم افراطی مقوله: زندگی تنها حق قدرتمندان است! عملاً صدق پیدا کرده و دستور العمل قرار می‌گیرد.

دموکراسی تلاش می‌کند که قدرت منطق بر منطق قدرت گرایی پیروز گردد اما ملی‌گرایی افراطی تلاش‌های سخیف و مزوّرانه خود را در جهت پیروزی منطق قدرت بر قدرت منطق به کار می‌بندد اما چنانچه اشاره شد این سناریوی کابوس گونه بر خلاف اصول دموکراسی است و جهان متمدن معاصر نباید آن را بپذیرد.

۱۱-باید در مورد ملی گرایی هشیار بود.

هرچند ناسیونالیسم معتدل مرامی کاملاً طبیعی است و هیچ گونه مخالفتی با برادری و برابری میان ملت‌ها ندارد اما باید با دقت و تیز بینی آگاه بود که خواسته‌های طبیعی و انسانی ما منجر به تمایلات شیطانی و خواسته‌های حیوانی نگردد. عدم توجه به کنترل احساسات ملی در گذشته سبب دردسرها و جنگ‌های بسیاری شده است که جهان متمدن معاصر باید از آنها عبرت گیرد انقلاب‌های کشورهای اروپایی در سال ۱۸۳۰ و همچنین سال ۱۸۴۸ برای رهایی از سلطنت استبدادی و ... رسیدن به آزادی بود و گاریبالدی و امسال او مبارزاتشان حق بود اما بعد از همان اشخاص و احساسات ملی گرایانه معتدل در ایتالیا موسولینی ظاهر گردید که در پی سیطره بر ملت‌های دیگر و استعمار گری برآمد.

فصل دوم: ظهور ملی گرایی افراطی در جهان و ورود آن به جهان اسلام

بعد از معرفی کوتاه ملی‌گرایی و تحلیل مختصری از اهداف و مقاصد آن لازم است اجمالاً تاریخ ظهور ملی‌گرایی را بازگو نموده و ورود آن را به جهان اسلام بیان و توضیح دهیم اینک مجموع این تحقیق و تحلیلات را در دو مورد زیر خلاصه خواهیم کرد.

۱- ظهور ملی گرایی افراطی در جهان

بر اساس فطرت و خرد و علم هر انسانی نسبت به زادگاه، بستگان، زبان، فرهنگ و ادبیات خود به نوعی وابسته است و به آن‌ها ابراز محبّت می‌کند این نوع میهن‌دوستی و ملی‌گرایی به شرط رعایت حقوق دیگران و عدم تجاوز به آن‌ها نه اینکه مخالف عقل و علم و دین نیست بلکه بسیار ارزشمند و مورد پسند است اما چیزی که با انسانیّت و عقلانیّت در تضاد است پدیده شوم ملی‌گرایی افراطی است. اینک در اوج اختصار به تاریخ ظهور آن می‌پردازیم.

ظهور و پیدایش ملی‌گرایی افراطی در جهان به عنوان تفکری سیاسی– اجتماعی به بعد از انقلاب فرانسه (۱۷۸۹) برمی‌گردد این مرام و ایدئولوژی برای اولین بار بر زبان "رسو" تبلیغ شد او اعلام کرد که انسان باید بیش از حد نسبت به میهن و ملّت وفادار باشد و تبلیغ می‌کرد که میهن باید محور و قطب تفکّر و خواسته‌های فرد و جامعه گردد.[۱۲] همزمان با پیروزی انقلاب فرانسه اکثریت اصول و پایه‌های ملی‌گرایی

[۱۲] – به نقل از کتاب "سوزی نه‌ته وایه‌تی" ص ۱۰۱

پدید آمده و تحرکاتی همچون شعله‌ور ساختن احساسات ملّی، تأکید بر احترام بیش از حدّ معقول برای پهلوانان میهنی، تدوین سرود و شعارهای ملّی، تأکید بر احترام بیش از حد زبان و نژاد فرانسوی، تاسیس جنبش‌های ملّی و ... پدید آمده و گسترش یافتند.

همزمان با به قدرت رسیدن ناپلئون بناپارت ناسیونالیسم افراطی در میان مردم بیشتر نقش شوم و مخرب خود را ایفا نمود در نتیجه این تحولات و تحرکات احساسات ملی‌گرایی در میان ملّت‌های دیگر هم پا به عرصه‌ی زندگی نهاد و در آلمان و ایتالیا هم وارد میدان و عرصه سیاسی – اجتماعی گردید با ظهور "ویلیام گلادستون" ملی‌گرایی به اوج قدرت و اقتدار رسید و به عنوان یک مرام و ایدئولوژی تمام اروپای مرکزی و جهان غرب را در بر گرفت. آری قرن نوزدهم هم به قرن طلایی ملی‌گرایی نامگذاری شده است و هر کدام از "بسمارک" آلمانی "ماتزینی و گاریبالدی" از ایتالیا و "ویکتور هوگو" فرانسوی از جمله مؤسسین و بنیان‌گذاران ملی‌گرایی محسوب می‌شوند. لازم به ذکر است که احتمال دارد ملی‌گرایی در نتیجه‌ی کفر و الحاد به وجود آمده باشد چرا که اقوام و ملّیت‌های جهان غرب دین مسیحی را آیین خود می‌دانستند اما به خاطر اینکه دین مسیحیت توسط کشیش‌ها، پاپ‌ها، و فرمانروایان تحریف شد و تغییراتی در آن ایجاد شد.[۱۳]

---

۱۳ – دین و کیش مسیحی در اصل برنامه‌ای کامل برای دوران خود بود اما بعد از اینکه (عیسی (س)) چنانکه قرآن می‌فرماید بسوی خداوند بلند شد نصارا و مسیحیان طبق صلاحدید خود در دین نامبرده به تغییر و ابداع و انحراف پرداختند و مرتکب اعمالی شدند که خلاف منطق و علم هستند در اینجا جهت شناخت بهتر موضوع بطور اختصار به بعضی از این اشتباهات شنیع اشاره می‌شود. ←

→اولین کسی که در دین مسیح انحراف ایجاد کرد فردی بنام "پولس" بود او می‌گفت عیسی فرزند خداست و باید پرستش شود و لذا مسیحیت به دوشاخه تقسیم گردید قسمتی از آن‌ها هواداران بولس بودند و معتقد به تثلیث و پرستش (اب، ابن و روح القدس) شدند قسمت دیگری از آن‌ها هواداران توحید بودند و بیشتر از اعتقادات "آغیوس" پیروی می‌کردند اما در سال ۳۲ م یکی از امپراطوری‌های معتقد رومی بنام قسطنطین دستور داد تا جلسه وسیعی تشکیل شد و بیشتر از ۲۰۰۰ نفر از پاپ‌ها و بزرگ مردان مسیحی در آن شرکت نمودند در این نشست عقیده تثلیث انتخاب شده و توحید کنار زده شد.

دومین انحراف کلیسا در کیش مسیحی درست کردن طبقه مخصوص و ویژه بنام "رجال‌الدین" بود مردان و رجال‌الدین مسیحی خود را نمایندگان خداوند معرفی می‌کردند و هر چه می‌خواستند در مورد مردم و رفتار با دیگران اعمال می‌نمودند. بعنوان مثال بطلیموس می‌گفت:" زمین مرکزی است که تمام ستاره‌ها پیرامون آن در چرخش می‌باشند" رجال‌الدین مسیحی این گفته را باور کردند و هرگونه تحقیق و اکتشاف خلاف آن را کفر قلمداد کردند و لذا هنگامی که"کوپرنیک" در سال ۱۵۴۳ کتاب گردش اجرام آسمانی را منتشر کرد و در آن اعلام نمود که زمین مرکز سیارات نیستو نشان داد که زمین به دور خورشید می گردد فرضیة او با نا باوری دانشمندان علوم دینی و نیز انسان گرایان روبرو شد و "محکمه التفتش" مسیحی‌ها خواستند او را گرفته و اعدام نمایند اما قبل از اینکه او را پیدا کنند وفات یافت بعد از نیک هنگامی که "برنو" ایتالیائی اعتقادات نیک را زنده کرد ۶ سال زندانی گردید و عاقبت در سال ۱۶۰۰ م او را در انظار عموم سوزانیدند همین موضوع در مورد گالیله هم روی داد چرا که چند سال بعد که گالیله تلسکوب را اختراع کرد و با استفاده از یک ابزار هلندی که برای دریا نوردی استفاده می شد تلسکوپ خود را ساخت تا آسمان را مشاهده کند و سر انجام با أستفاده از این ابزار سطح ماه را دید و به گفته‌های (نیک و برنو) باور کرد و در سال ۱۶۳۲ کتابی را تحت عنوان "محاوره در بارة دو منظومه بزرگ جهان " منتشر کد و آشکارا توجهش را به کپرنیکانیسم و مخالفتش را با طرفداران ارسطو نشان داد دادگاه او را گرفته و زندانی کردند تا در سن ۷۰ سالکی او را مجبور ساختند که در برابر دادگاه از اعتقادات خود اعلام انصراف نماید.

و بعد از انقلاب فرانسه و عصر رنسانس و تحولات بعد از آن کیش منحرف نامبرده ضربه‌های سخت و کوبنده‌ای خورد و دیگر نتوانست نقش خود را ایفا نماید و لذا اروپائیان احساس گمراهی می‌کردند و درصدد پیدا کردن آرمان و عقیده‌ای بودند تا آن‌ها را از این بن‌بست خارج نماید به همین خاطر ملی‌گرایی همراه مارکسیسم لینیسم به صحنه‌ی زندگی آمد تا جای دین منحرف مسیحی را پر کرده و به جای آن سلطه و اقتدار اجتماعی و سیاسی را در دست گیرد تا ملّت‌ها را از این بن‌بست خارج نمایند.

سومین اشتباه مسیحیان این بود که رهبانیت و کناره‌گیری از دنیا را ایجاد کردند. آزار جسم برای دین و اخلاق تا دو سده به عنوان الگوی کامل ادامه داشت مورخان از آن رخدادهای شگفت روایت کرده‌اند. از راهب ماکاریوس نقل می‌کنند: او شش ماه خودرادر لجنزاری قرار داد تا جسم برهنه او را پشه‌های سمی نیش بزنند و همیشه میله‌هایی از آهن را با خود حمل می‌کرد.

در نتیجه این انحرافات و در مقابل این ظلم و استبداد سکولاریسم شکل گرفته و غیر منصفانه در مقابل هر دینی موضوع منفی را اعلام کرد تا سرانجام انقلاب فرانسه روی داد (۱۷۸۹) مردم در مقابل کلیسا ایستادند و شعار می‌دادند:" آخرین پادشاه را با رودهٔ آخرین کشیش آویزان کرده و اعدام نمائید."

۲- ورود ملی گرایی افراطی به جهان اسلام

تحلیل دقیق و تحقیقات منصفانه نشان می‌دهد که ناسیونالیسم افراطی کاملاً بیگانه و وارداتی است اینکه در اینجا مروری سریع بر تاریخ ورود آن به جهان اسلام و کشورهای اسلامی را خواهیم داشت اما از آنجا که کشورهای عربی و به ویژه مصر در آن دوران در جهان اسلام اهمیت اساسی داشته است ابتدا از آنجا شروع کرده و بعداً تحرکات ملی‌گرایانه را در دیگر کشورهای مسلمان توضیح می‌دهیم.

کشور مصر

برای اولین بار فرانسوی‌ها در مصر شروع به شعله‌ور ساختن احساسات ناسیونالیسم کردند و مردم را برای تجزیه از دولت ترک‌های عثمانی تحریک کردند در سال‌های (۱۸۶۳ و ۱۸۷۹) کشورهای آمریکا، ایتالیا، آلمان و فرانسه ۷۷ مدرسه وابسته به خود را در این کشور باز کردند و فعالیّت کشیش‌ها به اوج خود رسید در نتیجه در میان روشنفکران قسمتی اروپا مذهب ظهور کرده و شروع به فعالیت نمودند آن‌ها هواداران استقلال مصر بودند و شعار دنباله‌روی مصر از جهان غرب را پیروی می‌کردند که رهبر آن‌ها "رفاعة الطهطاوی" بود و "طه حسین" برنامه‌ریزی این گروه را در دست داشت. با شروع فعالیت‌های این گروه احساسات ملی‌گرایی در مصر ایجاد شده و گسترش یافت.

کشورهای: سوریه، لبنان و اردن

از دیگر کشورهای مورد نظر غرب برای تحریک و گسترش احساسات ملی‌گرایانه عبارت بود از مناطق سوریه، لبنان و اردن، معروفترین کسی که بزرگترین نقش را در این مناطق ایفا نمود و خدمات شایان توجهی به ناسیونالیسم عربی کرد "نجیب عازوری" بود که به مؤسس ملی‌گرایی افراطی عربی معروف است او در سال (۱۹۰۴م) کتابی را به نام "یقظة الشعب العربی- بیداری ملّت عرب" منتشر کرد و بعد از آن جمعیتی را به نام "اتحاد الوطن العربی" تشکیل داد و روزنامه "استقلال العرب" چاپ و پخش نمود در صفحات روزنامه "استقلال العرب" بر برتری ملّت عرب بر دیگر ملّت‌ها و استقلال آن‌ها تأکید می‌شد.

"نجیب عازوری" معتقد بود که برای سرنگونی امپراطوری عثمانی باید سه کودتا انجام شوند که او آن‌ها را انقلاب می‌نامید که عبارت بودند از:

۱- انقلاب کردی

۲- انقلاب عربی

۳- انقلاب ارمنی

نجیب عازوری آشکارا اعلام می‌کرد که آماده است به یاری انگلیس و فرانسه در برابر دولت عثمانی کودتا نماید شایان ذکر است که همراه نجیب عازوری افراد زیر هم نقش مهمی را در ایجاد و ظهور ناسیونالیسم عربی ایفاء نمودند:

۱- بطرس بستانی

۲- ناصیف یازجی

۳- ابراهیم یازجی

۴- نوفل نوفل

۵- مخائل شعاده

۶- جرجیس فیاض

اما کسی که در میان جنگ‌های اول و دوم جهانی بزرگترین نقش را در راستای گسترش ملی‌گرایی عربی ایفاء نمود "ساطح الحصری" بود که مدت ۲۰ سال در خدمت انگلیس بود. و کسی که آرمان وآرزوهای این افراد را به ثمر رسانید "میشل عفلق" بود که در سال ۱۹۴۸ "الحزب البعث العربی الاشتراکی" را تأمین نمود.

اقدامات و فعالیت‌های افراد و گروه‌های مذکور در نهایت منجر به ورود ملی‌گرایی و تحکیم پایه‌های آن در کشورهای عربی شده و ناسیونالیسم افراطی همچون فرزندی نامشروع از مادران کینه‌توز خود تولد یافت و کشورهای عربی و اسلامی را از یکدیگر متفرق ساخت.

کشور ترکیه:

همزمان با تحریک احساسات ناسیونالیستی در مصر در ترکیه نیز ملی‌گرایی افراطی و احساسات ملی‌گرایانه شعله‌ور می‌شد از جمله کسانی که در تحریک احساسات ملی‌گرایانه در این کشور سهم قابل توجهی داشتند سه نفر یهودی به نام‌های "لوملی دافید"، "دافید لیون‌کهن"، "ارمینوس فامبری" بودند.

لوملی دافید که یک یهودی انگلیسی بود در جهت تحقق اهداف خود سفری را به کشور ترکیه کرده و کتابی را به نام "در اسات التمهدیه : بررسی‌های مقدماتی" تالیف کرد هدف او از نوشتن کتاب تحریک

احساسات ملی گرایانه‌ی ترکی بود و بر برتری ملّت ترک بر دیگر ملّت‌ها تأکید می‌کرد.

دومین نفر یعنی "دافید لیون کهن" اهل فرانسه بود و کتابی را تحت عنوان "تعریف عام به تاریخ آسیا: شناخت عمومی از تاریخ آسیا" نوشت و منتشر کرد[14] "لیون کهن" هم همچون لوملی دافید بر شعله‌ور ساختن احساسات و عواطف ملی‌گرایی ترکی تأکید می‌کرد پروفسور خدوری و برنارد لوئیس بر این باورند که کهن یهودی بود که احساسات ملی‌گرایانه افراطی را در میان اعضای "ترک‌های جوان" شعله‌ور ساخت.

سومین یهودی از افراد سهیم در تحریک و گسترش احساسات ملی‌گرایانه‌ی ترکی "اریمنوس فامبری" بود اریمنوس فامبری هم در میان ترک‌ها و اعراب نقش قابل توجهی ایفا نمود لازم به یادآوری است که بزرگترین هدف اروپا و مخصوصاً یهودیان از گسترش احساسات ملی‌گرایانه‌ی افراطی تجزیه کشورهای اسلامی و مقدمه‌چینی برای غصب و تجاوز به فلسطین بود چرا که یهودیان تلاش‌های گسترده‌ای نمودند تا خلیفه‌ی اسلامی را برای واگذاری فلسطین به یهودیان مهاجر متقاعد سازند اما جواب‌های کوبنده‌ی سلطان عثمانی مانع از تحقق اهداف آنان می‌شد.

اروپائیان و یهود می‌دانستند که عثمانی‌ها لقمه‌ای آنقدر آسان و قابل هضم نیستند و لذا بعد از یأس و ناامیدی به تلاش‌های ایدئولوژیکی و تهاجم فرهنگی متوسل شدند و از راه گروه "اتحاد و ترقی" موفق به کودتا در مقابل دولت ترک‌های عثمانی شدند و در سال ۱۹۰۸ به حکومت رسیدند و خلیفه را معزول گردید سرانجام در سال ۱۹۲۴

---

۱۴ – این کتاب در سال ۱۸۹۹ م نوشته شد.

سلطان عثمانی را از سرای خلافت بیرون راندند، خلافت به طور رسمی الغا شد، حکومت جمهوری اعلام گردید و مصطفی کمال به حکومت رسید.

راندمان این تحولات تعطیل دادگاه‌های اسلامی، از کار انداختن تقویم هجری، برداشتن حجاب اسلامی از زنان و قفل کردن دو مسجد بزرگ استنابول به نام‌های"آیا صوفیا" و "محمد الفاتح" بود.

صهیونیست‌ها از زمان نخستین کنگره‌ی خود در شهر [بال] سوئیس کوشش‌های سیاسی خود را برای بازگشت به فلسطین آغاز کرده بودند.[۱۵] و در نتیجه‌ی ضعف دولت عثمانی و تلاش‌های حزب اتحاد و ترقی که به شدّت ضدّ دین و طرفداران ترکیسم بود و به کمک دولت‌های استعمارگر به اهداف خود دست یافتند.

در اینجا به علت فعالیت‌های حزب اتحاد و ترقی و نقش مهم این حزب در فریفتن مسلمانان و نادیده گرفتن اعتقادات آن‌ها و کوشش برای شعله‌ور ساختن ناسیونالیسم افراطی ترکی برای تراویدن تفکّرات ضد دین به داخل ترکیه اشاره وار گروه اتحاد و ترقی را معرفی می‌کنم:

[۱۵] - این کنگره به رهبری "تئودر هرتزل" در سال ۱۸۹۷ میلادی برگزار شد رجوع شود به کتاب "بررسی ناسیونالیسم از دیدگاه تاریخی و اسلامی" تالیف حیدر غلامی ص ۵۸

معرفی کوتاه گروه اتحاد و ترقی:

۱- گرایشات قوم‌گرایی در میان روشن‌فکران عثمانی نسبت به عرب هنگامی شروع شد که مصطفی فاضل حزب "ترک‌های جوان" را در سال ۱۸۶۵ م تشکیل داد و حزب اتحاد و ترقی در سال ۱۸۹۴ بر پایه‌های این حزب به‌وجود آمد.[۱۶]

مورخین می‌گویند: « در قرن نوزدهم محافل سیاسی بین‌المللی مسأله‌ی عربیّت را نمی‌شناخت و به خصوص واژه‌ی عرب کمتر در نوشته‌ها و محاورات بر ساکنان ولایت‌های عربی در دولت عثمانی اطلاق می‌شد بلکه بر صحرانشینان بدوی و ساکنان دشت‌های خاور نزدیک اطلاق می‌گردید. مردم واژه‌ی «مسلم» و «مسیحی» را برای تفاوت بین دو فرقه‌ی بزرگ از ساکنان این منطقه به کار می‌بردند. اما غالب مسلمین اعم از عرب یا ترک تحت سلطه‌ی دولت عثمانی به برادران دینی موسوم بودند قبل از اینکه ترک یا عرب باشند.[۱۷] و در مورد سلاطین هم تاریخ می‌گوید: "سلاطین عثمانی جز به نسب اسلامی خویش افتخار نمی‌کردند."[۱۸]

۲- در صفحه ۱۶۲ از دایره‌المعارف مصور فراماسونری آمده است که: اتا ترک یکی از بزرگان فراماسونری است. و برخی درباره‌اش می گویند: "

۱۶ – رجوع شود به کتاب "بررسی ناسیونالیسم از دیدگاه تاریخی و اسلامی" تالیف حیدر غلامی ص ۵۹ و ۶۰

۱۷ – به کتاب "بررسی ناسیونالیسم از دیدگاه تاریخی و اسلامی" تالیف حیدر غلامی ص ۳۴ مراجعه نمایید.

۱۸ – به کتاب "بررسی ناسیونالیسم از دیدگاه تاریخی و اسلامی" تالیف حیدر غلامی ص ۳۴ مراجعه نمایید.

خون یهودی در رگ‌های خانواده‌ی کمالی جریان دارد.[19] و رهبران این حزب شیفته غرب و دارای افکار ضد اسلامی بودند."

۳- حقیقت آشکار در شکل‌گیری حزب اتحاد و ترقی این است که غیر ترکی و غیر اسلامی است از بدو تأسیس بین سران و رهبرانش یک نفر ترک اصیل دیده نمی‌شود به عنوان نمونه "انور پاشا" فرزند مردی رانده شده از هلند است "جاوید" از طایفه‌ی یهودی معروف به دنمه است "کراسو" از یهودیان مهاجر اسپانیایی ساکن در شهر سلانیک می‌باشد "طلعت پاشا" مجارستانی الاصل است که به ظاهر مسلمان شده بود و "احمد رضا" یکی دیگر از رهبران گروه نیمی از ترک و نیمی مجارستانی و از پیروان مدرسه فلسفی کانت است. برخی می‌گویند:" تئوریسین‌های این حرکت یا یهودی بودند و یا مسلمان در اصل یهودی."

۴- کمک‌های مالی این حزب از طریق "دونمه" و سرمایه‌داران[20] یهودی سالونیک انجام می‌گرفت و همچنین کمک‌های مالی از طرف سرمایه‌داری بین‌المللی یا شبه بین‌المللی از وین بوداپست و برلین و گاهی از پاریس و

---

۱۹ – به کتاب"بررسی ناسیونالیسم از دیدگاه تاریخی و اسلامی" تالیف حیدر غلامی ص ۶۱ مراجعه نمایید.

۲۰ – می‌گویند یهودیان سالونیک مروف به "دونمه" یعنی مرتدهایی که از یهودیت بازگشته و داخل اسلام شده‌اند و برای رسیدن به اهداف خود از اسلام استفاده می‌کردند در انقلاب ترکیه در حقیقت شریک بودند آن‌ها از نژاد یهودند عقیده رایج مردم این بود که آن‌ها ظاهراً مسلمانند اما در عمل پیرو تورات می‌باشند در آن دوران که ما در صدد بیان آن هستیم مردم چیزی از آن‌ها نمی‌دانستند.

لندن به آن‌ها می‌رسید[21] شایان ذکر است که علاوه بر تحرکات یهود و مسیحیان عرب و دولت‌های استعمارگر خاورشناسان هم نقش مهمی را در راستای ایجاد اختلاف در بین مسلمانان ایفا نموده‌اند آن‌ها تلاش کرده‌اند تا تمدن‌های کهن را در برابر تمدن اسلامی زنده کنند و به تحریف تاریخ اسلام در راستای رسیدن به اهداف خود پرداخته‌اند گذشته از آن‌چه گفته شد نگاهی به اعلام استقلال ترکیه بیشتر نقش شوم استعمارگران و کینه‌توزی آن‌ها را با اسلام نشان می‌دهد کرزون که در آن زمان وزیر خارجه‌ی انگلستان بود برای اعلام استقلال ترکیه چهار شرط زیر را معین کرد:

الف- باید خلافت برای همیشه باید الغا شود.

ب- خلیفه باید به خارج از کشور تبعید گردد.

ج- تأسیس حکومت بعد از خلافت باید براساس باورهای سکولار باشد.

د- باید تمام اموال و املاک خلیفه مصادره شود.[22]

چنانچه می‌بینیم تمام شرایط کرزون برای اعلام حکومت مستقل در ترکیه به اسلام و خلیفه‌ی اسلامی و نوع حکومت بعد از آن مرتبط

---

۲۱ - مورد سوم و این مورد (چهارم) به نقل از "الحلول المستورده" تالیف دکتر قرضاوی ص ۱۴۰ - ۱۴۱ و کتاب "بررسی ناسیونالیسم از دیدگاه تاریخی و اسلامی" تالیف حیدر غلامی ص ۶۰ ذکر شده‌اند.

۲۲ - به کتاب کیف هدمت الخلافه تالیف: عبدالقدیم زلّوم ص ۱۷۸ مراجعه شود اما حیدر غلامی در کتاب بررسی ناسیونالیسم از دیدگاه تاریخی و اسلامی ص ۶۳ به نقل از دیگران چهار شرط معروف به شرایط کرزون را اینگونه نوشته است: ۱- الغای خلافت عثمانی در ترکیه برای همیشه ۲- قطع تمام روابط ترکیه با اسلام ۳- متوقف کردن تمام عوامل اسلامی در ترکیه ۴- جایگزین کردن قوانین غربی به جای قوانین اسلامی

خون یهودی در رگ‌های خانواده‌ی کمالی جریان دارد. [19] و رهبران این حزب شیفته غرب و دارای افکار ضد اسلامی بودند."

۳- حقیقت آشکار در شکل‌گیری حزب اتحاد و ترقی این است که غیر ترکی و غیر اسلامی است از بدو تأسیس بین سران و رهبرانش یک نفر ترک اصیل دیده نمی‌شود به عنوان نمونه "انور پاشا" فرزند مردی رانده شده از هلند است "جاوید" از طایفه‌ی یهودی معروف به دنمه است "کراسو" از یهودیان مهاجر اسپانیایی ساکن در شهر سلانیک می‌باشد "طلعت پاشا" مجارستانی الاصل است که به ظاهر مسلمان شده بود و "احمد رضا" یکی دیگر از رهبران گروه نیمی از ترک و نیمی مجارستانی و از پیروان مدرسه فلسفی کانت است. برخی می‌گویند:" تئوریسین‌های این حرکت یا یهودی بودند و یا مسلمان در اصل یهودی."

۴- کمک‌های مالی این حزب از طریق "دونمه" و سرمایه‌داران [20] یهودی سالونیک انجام می‌گرفت و همچنین کمک‌های مالی از طرف سرمایه‌داری بین‌المللی یا شبه بین‌المللی از وین بوداپست و برلین و گاهی از پاریس و

---

۱۹ - به کتاب "بررسی ناسیونالیسم از دیدگاه تاریخی و اسلامی" تالیف حیدر غلامی ص ۶۱ مراجعه نمایید.

۲۰ - می‌گویند یهودیان سالونیک مروف به "دونمه" یعنی مرتدهایی که از یهودیت بازگشته و داخل اسلام شده‌اند و برای رسیدن به اهداف خود از اسلام استفاده می‌کردند در انقلاب ترکیه در حقیقت شریک بودند آن‌ها از نژاد یهودند عقیده رایج مردم این بود که آن‌ها ظاهراً مسلمانند اما در عمل پیرو تورات می‌باشند در آن دوران که ما در صدد بیان آن هستیم مردم چیزی از آن‌ها نمی‌دانستند.

لندن به آن‌ها می‌رسید[21] شایان ذکر است که علاوه بر تحرکات یهود و مسیحیان عرب و دولت‌های استعمارگر خاورشناسان هم نقش مهمی را در راستای ایجاد اختلاف در بین مسلمانان ایفا نموده‌اند آن‌ها تلاش کرده‌اند تا تمدن‌های کهن را در برابر تمدن اسلامی زنده کنند و به تحریف تاریخ اسلام در راستای رسیدن به اهداف خود پرداخته‌اند گذشته از آن‌چه گفته شد نگاهی به اعلام استقلال ترکیه بیشتر نقش شوم استعمارگران و کینه‌توزی آن‌ها را با اسلام نشان می‌دهد کرزون که در آن زمان وزیر خارجه‌ی انگلستان بود برای اعلام استقلال ترکیه چهار شرط زیر را معین کرد:

الف- باید خلافت برای همیشه باید الغا شود.

ب- خلیفه باید به خارج از کشور تبعید گردد.

ج- تأسیس حکومت بعد از خلافت باید براساس باورهای سکولار باشد.

د- باید تمام اموال و املاک خلیفه مصادره شود.[22]

چنانچه می‌بینیم تمام شرایط کرزون برای اعلام حکومت مستقل در ترکیه به اسلام و خلیفه‌ی اسلامی و نوع حکومت بعد از آن مرتبط

---

۲۱ - مورد سوم و این مورد (چهارم) به نقل از "الحلول المستورده" تالیف دکتر قرضاوی ص ۱۴۰ - ۱۴۱ و کتاب "بررسی ناسیونالیسم از دیدگاه تاریخی و اسلامی" تالیف حیدر غلامی ص ۶۰ ذکر شده‌اند.

۲۲ - به کتاب کیف هدمت الخلافه تالیف: عبدالقدیم زلّوم ص ۱۷۸ مراجعه شود اما حیدر غلامی در کتاب بررسی ناسیونالیسم از دیدگاه تاریخی و اسلامی ص ۶۳ به نقل از دیگران چهار شرط معروف به شرایط کرزون را اینگونه نوشته است: ۱- الغای خلافت عثمانی در ترکیه برای همیشه ۲- قطع تمام روابط ترکیه با اسلام ۳- متوقف کردن تمام عوامل اسلامی در ترکیه ۴- جایگزین کردن قوانین غربی به جای قوانین اسلامی

هستند و دشمنان حکومت عثمانی از تفکّرات دینی حاکم بر آن وحشت داشتند به همین علت وقتی که کرزون وزیر خارجه‌ی انگلستان در مجلس ملّی آن‌چه را که درباره‌ی ترکیه انجام داده بودند شرح داد بعضی از نمایندگان به شدّت به او اعتراض کردند و از اینکه دولت انگلیس با استقلال ترکیه موافقت کرده است به شگفت آمدند به این دلیل که ممکن است دولت‌های اسلامی بار دیگر پیرامون آن گرد آیند و به غرب حمله کنند.

اما کرزون در پاسخ گفت ..." ما قدرت و نیروی این دولت را که [اسلام و خلافت] می‌باشد نابود کرده‌ایم" پس از این توضیحات تمام نمایندگان کف زدند و مخالفان ساکت شدند. [۲۳]

چند تذکر لازم:

بعد از پایان تعریف ملی‌گرایی، شرح نتایج و عواقب ورود آن به جهان اسلام اکنون وقت آن رسیده است که چند تذکر لازم را در مورد شیوه‌ی تعامل با ملی‌گرایان بیان کنیم:

اگر با نگاهی دقیق به جوامع مسلمان و کشورهای اسلامی بنگریم به این حقیقت خواهیم رسید که به طور کلی مردم این جوامع به پنج گروه زیر تقسیم می‌گردند.

---

۲۳ - کتاب "بررسی ناسونالیسم از دیدگاه تاریخی و اسلامی" تالیف حیدر غلامی ص ۶۵ مراجعه نمایید.

گروه الف: توده مردم مسلمان:

این گروه هستند که اکثریت جهان اسلام را تشکیل می‌دهند.

آنچه که برای آن‌ها مهم است پول و زندگی با لذت است انحراف آن‌ها از آنجا شروع می‌شود که در فلسفه‌ی وجود و خلقت انسان دچار اشتباه شده و فکر می‌کنند که انسان برای خوردن و آشامیدن و اندوختن مال به‌وجود آمده است این قشر از مردم چون تاریکی جهل را درک نمی‌کنند به دنبال روشنایی هیچ آرمان و اعتقادی نمی‌گردند چنان که می گویند:"کسانی که تاریکی جهل را درک نمی‌کنند به دنبال روشنایی نخواهند گشت."

گروه ب: اسلام گرایان متعصب:

قسمت دیگر از مردم جهان اسلام اسلام‌گرایانتندرویی هستند
که خیلی با شتاب از کنار خواسته‌های طبیعی انسان گذشته و جوانب مثبت پدیده‌ی ملی‌گرایی را نادیده می‌گیرند و سرانجام علاوه بر خود دیگران را هم فریب می‌دهند آن‌ها متوجه نیستند که خدمت به ملّت‌ها و اقوام جهان تکلیفی خدایی است و تلاش در راه تحقق اراده‌ی خداوند می‌باشد.

گروه ج: مسلمانان خردمند:

این گروه از مردم مسامانانی هستند که علاوه بر شناخت دقیق دسیسه‌های استعمار، جوانب مثبت ملی‌گرایی را مورد استفاده قرار داده و

همزمان با خدمت به ملّت خود در راه اتحاد و انسجام ملّت‌های مسلمان گام برمی‌دارند.

گروه د: ملی گرایان معتدل و میانه رو:

این گروه بدون عبور از خطوط قرمز در راه تحقق اهداف ملّی معقول خود در تلاش‌اند. ضعف آنان این است که اعتقاد دارند که ملی‌گرایی توان رهبری جهان را دارد. هیچ یک از این چهار گروه مورد بحث ما نیستند گروهی که می‌خواهیم در مورد آن تذکرات را یادآوری شویم بخشی دیگر از مردم هستند که در راه تعقیب اهداف ملی‌گرایانه خود اغراق می نمایند و ما آنان را ملی‌گرایان افراطی نام نهاده‌ایم.

گروه هـ: ملی گرایان افراطی و تندرو:

این گروه از مردم در دام تکبر افتاده و به برتری فرهنگ، نژاد، کشور و ملّت خود بر دیگران اعتقاد دارند چنانکه در این بخش شرح دادیم حرکت‌های این ملی‌گرایان افراطی یکی از بزرگ‌ترین مصایب جهان و به ویژه جهان اسلام است اینک در اوج اختصار چند تذکر لازم را در مورد آنان بیان می‌نماییم:

۱- نسل انسان و تمام اقوام و ملّت‌های جهان از یک خانواده‌اند بر اساس عقل و منطق باید برادر و برابر زندگی کنند و هیچ لزومی ندارد که برای موفقیّت ملّتی به دسیسه و فریفتن یا سرکوب دیگران بپردازیم چرا که چنین اقداماتی بازتاب منفی و خطرناک خواهد داشت و سرانجام آن شرمساری می‌باشد سرگذشت هیتلر و امثال او در این زمینه بهترین دلیل و خوبترین پند دهنده است.

۲- ملت و میهن به مراتب کوچک‌تر از آنند که پرستش شوند زیرا براساس جهان‌بینی ارزشمند الهی جهان و هر چه در آن قرار دارد در خدمت انسان است و برای او آفریده شده است. بسیار هم غیرمعقول و غیرمنطقی است که انسان به عبادت خادم خود پرداخته و آن را پرستش نماید انسان جانشین خداوند است و در بهترین شیوه‌ی خلقت خلق گردیده است حرکات نابجا و اغراق در محبت مردم و میهن ارزش انسان را مخدوش می‌نماید و انسان شایسته و والامقام را حقیر و درمانده جلوه می‌دهد.

۳- شناخت انسان اگر با رهنمودهای الهی قرین نباشد در تعیین راه و روش زندگی خود دچار لغزش و انحراف خواهد شد به همین دلیل در گذشته هر چند دانشمندان برجسته‌ای داشته‌ایم که در راه رهبری کردن نسل بشر کوشا بوده‌اند اما چون شناخت آنان با رهنمودهای الهی قرین نبوده است علاوه بر گمراهی خود دیگران را هم منحرف نموده‌اند برای مثال فروید، داروین و سارتر هر یک جنبه‌ای از ویژگی‌های انسان را شناخته و براساس آن برای تعیین راه و روش زندگی در تمام جوانب زندگی تصمیم‌گیری نموده‌اند اما این روش نابجای آن‌ها به جای پیشرفت و تکامل انسان به انحراف در روش زندگی منجر شده است چرا که انسان دارای چندین غرایز طبیعی است و فراموش کردن هر یک از این غرایز زندگی انسانی و شرافتمند را مختل خواهد کرد این موضوع نشان می‌دهد که انسان برای زندگی شرافتمندانه و معقول و متعالی محتاج مافوق خود است و باید دست نیاز را به سوی آستانه‌ی الهی دراز نماید.

چرا که تنها خداوند متعال آگاه و توانا بر شناخت دقیق انسان و تعیین راه و روش زندگی آن می‌باشد.

۴- باید در مقابله با ملی‌گرایان افراطی شکیبایی و دقت داشته باشیم اعتقاد من این است که در مقابل مخالفان جبهه‌گیری‌های خشونت طلب سازگار نیست و مسلمانان باید به جای مواضع تندرو خشونت‌زا طلب باید درصدد راه‌حل‌های مسالمت‌آمیز و میانه‌رو باشند ما باید با ملی‌گرایان افراطی در نهایت احترام موضع گرفته و برخورد نماییم بعضی از اسلام‌گرایان تندرو در اولین واکنش به رفتار بعضی از گروه‌های سکولار موجود در جهان اسلام تلاش می‌کنند که آن‌ها را مرتد و کافر قلمداد کنند اما این عکس‌العمل صحیح نیست فقهای اسلامی برای کنترل حکم کفر بر دیگران، قانون (ایجاد شروط و انتفای موانع) را بیان کرده‌اند که به هیچ وجه تجاوز از آن جایز نیست براساس این دستورالعمل برای اثبات حکم کفر بر دیگران وجود شرایط زیر لازم و ضروری هستند:

۱- حکم کفر حکمی ظاهری و آشکار است.

۲-تکفیر مطلق مستلزم تکفیر معین نیست.

۳- شخص یا گروهی که آن را کافر قلمداد می‌نماییم باید اتمام حجت شده باشد.

۴- هر گناهی انسان را کافر نمی‌کند.

علاوه بر شرایط فوق برای اثبات حکم کفر بر دیگران باید موانع زیر هم از میان رفته باشند:

۱- فرد یا گروه جاهل نباشند جهلی که سبب ممنوعیت اطلاق کفر بر دیگران می‌شود جهلی است که صاحب آن در شناختن و دانستن حقایق

سستی نکرده است اما باز هم چنانکه شایسته است حقایق را نفهمیده باشد.

۲- اشتباهی در میان نباشد چرا که اگر از راه اشتباه کار و یا گفتاری را بگوید و انجام دهد کافر شمرده نمی‌شود.

۳- شخص یا گروه مجبور نشده باشد که کفر یا شرک را انجام دهد یا اقرار نماید.

۴- کسی که از روی جهل به شیوه‌ای، آیه‌ای از قرآن یا هر نص دیگر شرعی را تاویل کند چنانکه منجر به احلال حرام و یا حرام کردن حلال و یا انکار مسایل بدیهی و آشکاری از دین شود کافر نمی‌شود.

۵- نسیان و از یاد رفتن مانع اطلاق حکم کفر بر دیگران می‌شود چون کسی که از روی نسیان و فراموشکاری چیزی گفته یا کاری انجام داده باشد نمی‌توان آن را کافر شمرد.

چنانچه می‌بینیم شریعت اسلامی با دقت و تسامح و مهربانی با مخالفان خود رفتار می‌کند و در مقابله با اردوگاه مقابل (هر کس باشد) موضع‌گیری تندرو را نمی‌پسندد آنچه جای تعجب و تاسف است رفتار غیر منطقی و غیر اصولی بعضی از اسلام‌گرایان تندرو است که خود را برای اسلام از خدا و پیامبرش دلسوزتر می‌دانند و در نهایت تعصب و در اوج خشونت با کسانی که در اردوگاه مقابل اسلام قرار گرفته‌اند رفتار می‌کنند این کار آن‌ها علاوه بر این که از نظر قرآن و اسلام مردود است از روی تجربه هم ثابت شده است که بهره چندانی نداشته و ندارد به عنوان نمونه بعد از ۱۱ سپتامبر تمام مسلمانان در تمام کشورهای جهان زیر نظر قرار گرفتند و مراقبت علیه آنان شدت یافت اما مسلمانان نوساز و میانه‌رو در چندین گروه مانند "شبکه خواهران" در اندونزی و مالزی

"انجمن زنان عرب عایشه" "کرامه: زنان حقوق‌دان مسلمان در زمینه حقوق بشر" و صدها شبکه‌ی دموکراسی مانند "شورای فیلیپین برای دموکراسی اسلامی" و "مرکز مطالعات اسلام و دموکراسی" در ایالات متحده یا "مرکز بین‌المللی اسلام و کثرت‌گرایی" در اندونزی به فعالیت مشغول هستند و کمتر مورد تردید و تحت تعقیب قرار گرفته‌اند[۲۴] پس علاوه بر قرآن و اسلام تجربه هم مواضع تندرو را نمی‌پسندد و لذا در مقابل ملی‌گرایان افراطی باید آرام، سنجیده رفتار نماییم تا بتوانیم مسئولیت هدایت آنان را چنانکه لازم است انجام دهیم. همه می‌دانند که جنگ خونریزی زندگی مسالمت آمیز را منهدم می‌سازد و دمکراسی و حقوق مردم را زیر پا می‌گذارد پس تنها راه‌چاره دیالوگ و گفتگو است سرآغاز و انجام همه‌ی کارها تفهیم همدیگر، تسامح و یک نوع پلورالیسم که تمام اقشار مختلف را در برگیرد باید باشد اینجا است که با صراحت باید گفت حرکات اسلامگرایان تندروی که بر هجوم به سکولاریسم تأکید می‌ورزد برخلاف قواعد انسان‌دوستانه‌ی اسلام است هم‌چنانکه سکولاریسم افراطی هم در جهت خلاف اصول دمکراسی حرکت می‌کند. پس سرنگون باد افراط‌گرایی مذهبی و شرمسار شود تندروی سکولاریسم چرا که نه خداوند مهربان آن را می‌پسندد و نه فلاسفه و دانشمندان که (دمکراسی بهترین راندمان کوشش‌های آن‌ها است) آن را تأیید می‌نمایند همه به یاد داشته باشیم که "رابرت زند" یکی از اندیشمندان می‌فرماید: "آدم‌ها فقط در یک چیز مشترکند: متفاوت بودن". به یاد داشته باشیم که نباید به باورهای غیر معقول و غیر منطقی عادت کنیم. و به یاد داشته

۲۴ – به نقل از گزارش ویژه (مؤسسه صلح ایالت متحد) این مؤسسه را تنی چند از مسلمانان آمریکایی می‌گردانند اطلاعات سیاسی، اقتصادی شماره ۲۴۰-۲۳۹ ص ۵۴ تا ۶۴

باشیم که ولتر [یکی از حکمای فرانسه در قرن هجدهم] می‌فرماید:" یک قلب پاک از تمام معابد و مساجد زیبای جهان زیباتر است". هوشیار باشیم که حضرت عیسی می‌فرماید:" چون مار هوشیار و چون کبوتر ساده باشیم". آری مانند مار از تاکتیک دشمن [۲۵] آگاهی داشته باشیم تا نتواند ما را به جان هم بیندازد و چون کبوتر ساده باشیم و همه‌ی جهانیان را برادر خود دانسته و در مقابل حق فروتن باشیم.

۲۵ - منظور از دشمن هر فرد گروه و حکومتی است که در جهت خلاف مصالح مشترک انسانها گام بر می‌دارد.

یَا أَیُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاکُم مِّن ذَکَرٍ وَأُنثَى وَجَعَلْنَاکُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَکْرَمَکُمْ عِندَ اللَّهِ أَتْقَاکُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِیمٌ خَبِیرٌ

«ای مردم ما شما را از مرد و زنی آفریدیم و شما را ملت ملت و قبیله قبیله گردانیدیم تا با یکدیگر شناسایی متقابل حاصل کنید در حقیقت ارجمندترین شما نزد خدا پرهیزگارترین شماست بی‌تردید خداوند دانای آگاه است» (سوره حجرات آیه ۱۳)

بخش دوم: ملی گرایی از دیدگاه اسلام

فصل اول: دیدگاه اسلام در مورد ملی گرایی دیدگاه تایید و کنترل است

فصل دوم فرازهایی از قانون اساسی و بین المللی از دیدگاه اسلام

چکیده ی دیدگاه اسلامی در چند تبصره

يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُم مِّن ذَكَرٍ وَأُنثَى وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِندَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ

«ای مردم ما شما را از مرد و زنی آفریدیم و شما را ملت ملت و قبیله قبیله گردانیدیم تا با یکدیگر شناسایی متقابل حاصل کنید در حقیقت ارجمندترین شما نزد خدا پرهیزگارترین شماست بی‌تردید خداوند دانای آگاه است» (سوره حجرات آیه ۱۳)

این آیه قرآنی تمام اصول و مباحث ملّی را در بر می‌گیرد و لذا سراسر این بخش از کتاب را به توضیح جملات آن بر اساس ادله شرعی اختصاص می‌دهم و تلاش خواهم کرد تا دیدگاه اسلام را در مورد ملی‌گرایی در ضمن تشریع آن بیان نمایم. اینک در فصل اول این بخش با دلایلی برگرفته[1] از منابع معتبر و موثق اسلام به تشریح دیدگاه دین که

---

۱ تا آنجا که من اطلاع دارم علمای اسلام برای استنباط احکام به یازده دلیل تمسک نموده اند که عبارتند از:

۱-قرآن
۲-سنت
۳-اجماع
۴-عرف
۵-قیاس
۶-استحسان
۷-استصحاب
۸-المصالح المرسله
۹-شرع من قبلنا
۱۰- قول صحابی
۱۱- سد زرائع

اما امام شافعی بر این باور است که دلایل کلی فقه پنج فقره و عبارتند از:(قرآن، حدیث، اجماع، قیاس و رأی اصحاب) رجوع شود به کتاب "تجزیه و تحلیل زندگانی امام شافعی" ص ۹۷ تألیف: عبدالله احمدیان. اما در کتاب "الفقه المنهجی علی مذهبالامام الشافعی" جلد ۱ ص ۱۵ تألیف : دکتر مصطفی الخن- دکتر مصطفی البغا- علی الشربجی بر خلاف کتاب ارزشمند استاد عبدالله احمدیان از مصادر فقه اسلامی در مذهب امام ⟵

همان دیدگاه تایید و کنترل است پرداخته و سعی کرده‌ام تا براساس شش دلیل نظر اسلام را اعلام کرده و ثابت نمایم سپس در فصل دوم بخش به توضیح شش اصل از اصول و قواعد اسلامی در مورد ملّت و میهن و چگونگی تعامل با آن پرداخته‌ام.

فصل اول: دیدگاه اسلام در مورد ملی گرایی دیدگاه تایید و کنترل است.

چنانچه گفتم تلاش می‌کنم دیدگاه اسلامی را در مورد ملی‌گرایی براساس شش دلیل که هر یکی از آن‌ها مورد تایید علمای اسلامی می‌باشد ثابت نموده و بیان نمایم چنانکه خواهید دید هر یکی از این دلایل از جهتی ملی‌گرایی معتدل را تایید نموده و از جهتی دیگر به کنترل ملی‌گرایی می‌پردازند تا به ملی‌گرایی افراطی و حرام تبدیل نشوند.

دلیل اول: قرآن.

قرآن کریم ملی‌گرایی معتدل را تایید می‌نماید و برای تجاوز نکردن احساسات ملی‌گرایانه از حدود عقل و منطق و تبدیل نشدن آن به ملی‌گرایی افراطی و حرام به کنترل آن پرداخته است برای اثبات اقرار و تایید موجودیت اقوام و ملّت‌های جهان از دیدگاه قرآن تنها چشم‌اندازی کوتاه بر معنی و مفهوم جمله "وجعلناکم شعوباً و قبائل" از سوره حجرات

← شافعی تنها به قرآن ، سنت، اجماع و قیاس تصریح شده و قول اصحاب فراموش یا کنار زده شده است.

آیه ۱۳ موضوع را روشن می‌سازد خداوند متعال در این جمله از آیه‌ی مبارک اعلام می‌کند که پیدایش ملّت‌ها و قبایل مختلف جهان براساس اراده‌ی ایشان بوده و تایید می‌شود اما از آنجا که جوامع و ملّت‌های جهان در مقابل فرصت‌طلبی و تجاوزات و اشغالگری‌های همدیگر در معرض خطر و تهدید هستند قرآن علاوه بر تایید و اقرار به هویّت ملّت‌ها و اقوام جهان به کنترل آن نیز پرداخته است برای کنترل کردن احساسات ملّی و میهنی قرآن در چندین مورد به این مطلب تصریح نموده است. برای نمونه به دو مورد زیر توجه فرمایید:

۱- قرآن اعلام می‌فرماید که سرآغاز نسل انسان از پدر و مادری بوده است تا همه این واقعیت را بفهمند که سرآغاز مشترک دارند و اعضای یک خانواده‌اند. جمله "انا خلقناکم من ذکر و انثی" از آیه ۱۳ سوره حجرات!

۲- در قرآن بارها عبارات‌های "یا ایها الانسان" و "یا بنی آدم" تکرار شده‌اند اما یک بار هم "یا ایها الاعراب" یا "یا ایها الأکراد" یا ... ذکر نشده‌اند تا تمام انسان‌ها بدانند که خداوند تمام انسان‌ها بدانند که خداوند همه را به یک چشم نگاه می‌کند آری خداوند (ج) در اوج عظمت و قدرت اعلام می‌کند که خلقت انسان از پدر و مادری بوده است و نسل انسان و بشریّت عموماً محترم و ارجمند است و همزمان با این موضوع هم اعلام می‌فرماید تقسیم و گسترش نسل بشر به ملت‌ها و قبایل متفاوت هم براساس اراده‌ی خداوند بوده تا هر انسانی جایگاه خود را در جهان شناخته و نه ظلم کند و نه مظلوم واقع شود.

دلیل دوم: ملی‌گرایی و فطرت سالم انسان[1]:یکی دیگر از دلایل تایید و اقـرار به مسئله‌ی ملّیت و میهن در دین اسلام فطری بودن این پدیده می‌باشـد خداوند جهان انسان را به گونه‌ای خلق کرده است کـه محبّـت زادگـاه و هم‌میهنان را در نهادش به ودیعه گذاشته اسـت اکنـون بـرای درک بهتـر موضوع و اثبات آن توجه به دو مسئله ضروری است.

۱- احساس غربت هنگام دوری از میهن: آری از دلایل روشـن بـر فطـری بودن ملی‌گرایی معتدل احساس غربت و دلتنگی به هنگام دوری از ملّـت و میهن خود می‌باشد. انسان چنان آفریده شده است که هنگام دور شدن از میهن خود احساس غربت می‌کند این احساس غربت دلیـل بـر فطـری بودن ملی‌گرایی معتدل می‌باشد.

۲- احساس محبّت برای افراد هم‌زبان و هم‌نژاد خـود: هـر انـسانی بطـور طبیعی از محبّت برای افراد هم زبان و هم نژاد خود بهره مند اسـت ایـن موضوع دلیلی دیگر بر فطری بـودن ملـی‌گرایـی معتـدل مـی‌باشـد پـس ملی‌گرایی از دیدگاه فطرت سالم انسانی هم مورد قبول اسـت امـا بـشرط آنکه از چهار چوب معقول خارج نشود و بـه ملـی‌گرایـی افراطـی تبـدیل نگردد.

از جهتی دیگر عدالت‌خواهی، انسان دوستی، دشمنی فطری انسان با تجاوز و فرصت‌طلبی‌ها دلیل بر ایـن اسـت کـه خداونـد همـراه بـا اینکـه خواسته اسـت هـر انـسان و ملّتـی از اسـتقلال و آزادی بهـره‌منـد باشـد

۱ فطرت انسان از ادله احکام نیست اما هرچه با آن مطابقت داشته باشد نوعی از مقبولیت را به دست خواهد آورد.

مخالفت و دشمنی با تجاوز برتری طلبی‌ها را هم در نهادش به ودیعه گذاشته است.

پس دیدگاه فطری انسان هم دیدگاه تایید و کنترل است.

چنانکه دیدیم هر چند فطرت سالم انسانی محبّت ملّت و میهن را تایید می‌کند اما از جهتی دیگر تجاوز از حدود عقل و منطق را هم قبول ندارد تا انسان به شیوه‌ای تربیت یابد که نه خود تجاوز نماید و نه تجاوز دیگران را قبول داشته باشد.

دلیل سوم: ملی گرایی از دیدگاه احادیث پیامبر(ص)

احادیث پیامبر بزرگوار اسلام هم ملی‌گرایی را در حد معقول تایید می‌کنند به عنوان نمونه پیامبر در حدیثی که ابوداوود از سراقه ابن مالک روایت کرده است چنین می‌فرماید "خیرکم المدافع عن عشرته مالم یأثم" یعنی بهترین (شما مسلمانان) کسی است که از قبیله و عشیره‌ی خود دفاع کند به شرط آنکه در این مورد مرتکب گناه نشود در این حدیث می‌بینیم که آشکارا دفاع از همزبان و هم‌نژاد خود تحسین گردیده است.[۱]

---

۱ چنانچه گفته شد این حدیث را ابو داود روایت کرده است قسمتی از علماء این حدیث را از نظر سند ضعیف قلمداد می کنند اما برخی می گویند متن و مفهوم آن جای اطمینان و اعتبار است.

در حدیث دیگری کـه امـام مـسلم و بخـاری از انـس آن را روایـت کرده‌اند چنین آمده است: "إن احـداً جبـل یحبنـا و نحبـه" یعنـی: اُحُـد کوهی است که ما او را دوست داریم و او مرا دوست دارد.

در این حدیث نسبت به کوهی ابراز محبت شـده اسـت حـال اگـر از طرف پیامبری در مقابل کوهی ابراز محبت شده باشد! باید دوست داشتن ملّت و کشوری به مراتب ارزنده‌تر و ارزشمندتر باشـد. چنانکـه دیـدیم در این احادیث بر ملی‌گرایی معتدل تأکید شده و تایید گردیده است امـا در احادیث دیگر جوانب منفی ملی‌گرایی مورد توجه قرار گرفته و ملی‌گرایـی افراطی محکوم گردیده است برای نمونه پیامبر فرموده است: "لـیس منـا من دعا الی عصبیه و لیس منا من قاتل علی عصبیه و لیس منا من مـات علی عصبیه"[2] یعنی: از ما نیست کسی که به سوی تعصب فرا خوانـد و از ما نیست کسی که به خاطر تعصب بجنگد و از مـا نیـست کـسی کـه بـه خاطر تعصب بمیرد. در این حدیث هم می‌بینیم که تعـصب کورکورانـه و دفاع از قوم و قبیله در راه ظلم و ستمگری محکوم شده است پس دیدگاه احادیث پیامبر هم دیدگاه تایید و کنترل احساسات ملی و میهنی است.

دلیل چهارم: ملی‌گرایی از دیدگاه قواعد فقهی اسلام

---

۲ – عصبیّت در لغت به معنی تعصب است و منسوب به "عصبه" می‌باشد که نزدیکان و خویشان پدری انسانند رجوع شود به "کلیات عقاید ابن خلدون درباره فلسفه تاریخ و تمدن" دکتر عزت الله رادمنش انتشارات قلم، ص ۱۹– و روایت حدیث از ابو داوود نسائی و مسلم می‌باشد.

گذشته از قرآن، احادیث و فطر ت انسان قواعد کلی شرع اسلام هم ملی‌گرایی معتدل را ستوده و بر آن تأکید می‌ورزد در این زمینه تنها به دو قاعده از قواعد نامبرده اشاره‌ای مختصر می‌کنیم.

قاعده اول: "الضرر و یزال" یعنی ضرر باید رفع شود براساس این قاعده هر چیزی که سبب زیان و ضرر گردد باید از میان برداشته شود در نتیجه برطرف کردن مشکلات و رفع زیان از ملّت تکلیفی شرعی بوده و طبق این قاعده‌ی شرعی بر مسلمان واجب است.

قاعده دوم: "الامور بمقاصدها" یعنی نتیجه‌ی کارها به جهت‌گیری و هدف از آن‌ها بستگی دارد پس در هنگام انجام هر کاری باید توجه داشت که انجام دهنده چه هدفی را دنبال می‌کند اگر هدفش نیکو و راهش صحیح باشد کارش خوب و پسندیده است و اگر انجام دهنده هدف دیگری را دنبال کند و یا راه خلافی را برای رسیدن به هدف در پیش گیرد کارش حرام است.

چنانچه می‌بینیم این قاعده شرعی به بهترین وجه ممکن راه تلاش و کوشش و هدف از آن را در هر کاری روشن می‌سازد در مورد طرح مسایل ملّی و میهنی هم این قاعده راه‌گشا است زیرا اگر هدف از طرح مسایل ملّی خدمت و رضایت الهی باشد و برای رسیدن به هدف نامبرده راهکارهای صحیح و ابزارهای شرعی مورد استفاده قرار گیرد هرگونه تلاش خوب و پسندیده است و موجب اجر اخروی و رضایت الهی خواهد بود پس روشن می‌گردد که از دیدگاه قواعد کلی فقه اسلامی ملی‌گرایی و تعقیب اهداف ملّی و میهنی به شرط اخلاص و اصابه کاری درست و حلال می‌باشد اما قواعد شرع و فقه اسلامی هم برای جلوگیری از افراط و

تندروی به کنترل ملی‌گرایی پرداخته است در این زمینه به دو قاعده دیگر اشاره می‌شود.

قاعده سوم: "یتحمل الضرر الخاص لدفع الضرر العام" یعنی برای جلوگیری از ضرر و زیان عمومی ضرر و زیان خصوصی و جزئی تحمل خواهد شد. حکم به این قاعده تمام مسایل سیاسی، اجتماعی و اقتصادی و ... را در بر می‌گیرد و در هر شرایط زمانی و مکانی که منفعت و زیان عمومی با زیان و منفعت خصوصی رو در رو قرار گیرند در مرحله‌ی اول به رفع زیان عمومی می‌پردازیم و سپس برای برطرف کردن زیان خصوصی وارد عمل می‌شویم.

و لذا هنگامی که طرح مسایل ملی و میهنی برای وحدت و برادری زیان‌آور باشد مطمئناً باید از آن اجتناب شود و کنترل گردد چون مصالح عمومی جهان اسلام مقدم بر مصالح قوم و ملّتی ویژه است.

قاعده چهارم: "درء المفاسد اولی من جلب المنافع" یعنی رفع بدی‌ها مقدّم بر جلب منافع می‌باشد پس هنگامی که در کشوری احساس شود که دسیسه‌های استعمار برای فریفتن مردم در کار است و از راه قوم و ملّتی به درون جامعه‌ای می‌تراود برای جلوگیری از مفاسد از جلب منفعت قوم و عشیره‌ای ویژه صرف نظر خواهد شد چرا که منفعت عمومی در خطر است.

دلیل پنجم: ملی‌گرایی از دیدگاه مقاصد شریعت اسلامی: مقاصد شریعت عبارت است: از جلب مصالح مردم و دفع زیان از آن‌ها براساس این دستورالعمل برای درک حکم شرعی هر مسئله‌ای باید با دقت کامل درصدد تشخیص منافع و زیان آن باشیم و هر گاه نخبگان به نتیجه

رسیدند که طرح موضوعات و مطالبی در جهت منافع مردم است بحث و تبادل نظر در این خصوص، مورد تایید شریعت اسلامی خواهد بود اکنون اگر از این دیدگاه به ملی‌گرایی و مسئله‌ی اقلیّت‌های قومی بنگریم به این واقعیت خواهیم رسید که تبادل نظر و ارائه‌ی راهکارهای لازم در خصوص موارد فوق مباح بوده و حتی در مواردی [از جمله هنگامی که دشمنان در صدد سوء استفاده از آن باشند] به حد یک تکلیف شرعی صعود می‌کند از جهتی دیگر برای کنترل ملی‌گرایی باید مراقب بود تا در چهار چوب قواعد شرعی معنی و مفهوم ملّت خواهی و میهن‌دوستی فهمیده شود و منطبق با قواعد شرع در مورد ملی‌گرایی معتدل رفتار شود تا از اختلات ملی‌گرایی معتدل و افراطی جلوگیری شود چرا که در چنین شرایطی ملّت‌ها و اقوام جهان اسلام به جان هم افتاده و مصلحت عمومی امّت اسلام مورد تهدید قرار خواهد گرفت و لذا بحث و تبادل نظرهای ناروا بر خلاف حکمت خواهد بود و حرام می‌باشد.

دلیل ششم: ملی گرایی از دیدگاه احکام تکلیفی اسلام:

دانشمندان علم اصول احکام شرعی را به دو دسته زیر تقسیم نموده‌اند:

الف- حکم وضعی که در اینجا مورد نظر نیست

ب- حکم تکلیفی[۲۶] این قسمت از احکام طبق نظر اکثریت اندیشمندان اصول فقه پنج نوع (حرام، حلال، مکروه، مباح و واجب) است که ما در اینجا در نهایت اختصار هر پنج نوع را تعریف می‌نماییم و هدف خود را براساس مفهوم آن‌ها شرح خواهیم داد.[۲۷]

۱- واجب: هر چیزی که انجام آن موجب ثواب و ترک آن موجب عذاب الهی گردد.

۲- حرام: هر چیزی که ترک آن موجب ثواب و انجام دادن آن سبب عذاب الهی شود.

۳- کراهت: هر چیزی که ترک آن سبب رسیدن به ثواب باشد اما انجام آن موجب عذاب الهی نشود.

۴- مباح: هر چیزی که در انجام دادن آن ثواب وجود نداشته باشد و انجام ندادن آن هم موجب عذاب نگردد. (انسان در انجام دادن و یا ترک آن مختیر باشد)

---

۲۶ – دانشمندان حنفی مذهب اقسام حکم تکلیفی را هفت قسم بر شمرده‌اند برای آگاهی بیشتر در این زمینه به کتاب " الوجیزفی اصوالفقه" تالیف: عبدالکریم زیدان ص ۲۹ تا ۳۰ مراجعه نمایید.

۲۷ – تعریف احکام تکلیفی براساس دیدگاه و تعریف امام الحرمین در رساله "الورقات" ص ۸ ذکر شده اند.

۵- سنت: هر کردار و یا گفتاری که انجام دادن آن ثواب الهی داشته باشد و ترک آن موجب عذاب الهی نگردد.

پس احکام تکلیفی اسلام با دقت تمام گفته‌ها و حرکات انسان را زیر نظر دارد. اکنون از دیدگاه احکام نامبرده به ملی‌گرایی بیاندیشیم تا با قضاوت منصفانه به هر نوع از انواع ملی گرایی حق شایسته و مناسب داده شود.

اول: ملّت خواهی و میهن دوستی واجب:

ملّت‌خواهی و میهن‌دوستی هنگامی واجب می‌گردد که تحقق آرمان‌ها واهداف یک کشور و ملّتی بر وجود آن متوقف باشد چون علمای اصول فرموده‌اند: "ما لا یتم الواجب الا به فهو واجب" هر چیزی که تحقق و ایجاد امری واجب بر آن متوقف باشد ایجاد و تحقق خود آن هم واجب خواهد شد.

اما تنها هنگامی می‌توانیم مطمئن باشیم که به وظیفه‌ی خود عمل کرده و ادای تکلیف نموده‌ایم که ضمن ضرورت طرح مسایل ملّی و میهنی به دو اصل مهم دیگر یعنی:

اخلاص

و اصابه توجه و دقت کامل کرده باشیم.

اخلاص یعنی: صد در صد مطمئن باشیم که تمام حرکات و اعمالمان تنها برای به دست آوردن رضایت الهی است و با دقّت کامل و تیزبینی تیشه به ریشه‌ی اهداف شیطانی زده باشیم.

اصابه یعنی: اینکه بعد از تحقیق و تفحّص کامل به این نتیجه رسیده باشیم که طرح مسایل ملی ضروری است و اگر اینگونه مباحثات مطرح نگردند هویّت و موجودیّت یک ملّت در معرض خطر و نابودی قرار خواهد

گرفت. شایان ذکر است که وحدت نظرات و دیدگاه‌ها در میان مسلمانان همیشه واجب نیست اما وحدت صفوف و یکپارچگی آنان براساس آیه‌های قرآنی واجب است لذا پناه بردن به طرح مسایل ملّی و میهنی در کشورهای اسلامی جای بحث و تبادل نظر است چرا که هر گاه اسلام واقعی فرمانروا باشد و چنانکه خدا می‌فرماید اصول عدالت، برادری و برابری بدون زور، زر و تزویر رعایت گردد نه تنها مشکلات و اختلافات ملّی در میان نخواهد بود بلکه امت اسلامی به قلّه‌های رفیع رهبری جهان ارتقا خواهد یافت.

دوم: ملت خواهی و میهن دوستی حرام

اما هنگامی که ملّت‌خواهی و میهن‌دوستی سبب باورها، گفتارها و کردارهای حرام گردد پدیده‌ی نامبرده از دیدگاه اسلام حرام خواهد شد و به ناسیونالیسم افراطی تغییر هویّت می‌دهد. (چنانکه در فصل اول این کتاب شرح دادیم) در اینجا باز هم یاد آور می شوم که از جمله مواردی که ملی‌گرایی را به افراط و تندروی می‌کشاند دو مورد زیر است.

۱- هنگامی که گروه یا ملّتی باور داشته باشد که ذاتاً بر دیگر ملّت‌ها برتری دارد.

۲- هنگامی که برای رسیدن به اهداف شرعی، ملّی و میهنی راه‌های غیر شرعی دنبال شود چرا که در اسلام مقوله "هدف وسیله را توجیه می‌کند" کاملاً بی‌اساس و بی‌پایه است. [۲۸]

سوم: ملت خواهی و میهن دوستی مباح

اما هنگامی که ملی‌گرایی و تعقیب اهداف پدیده نامبرده به مسایلی منجر شود که ضرر و زیان را در بر نداشته باشد و از جهتی دیگر در برگیرنده‌ی منافعی هم نباشد مباح خواهد بود برای نمونه هنگامی که کشوری وجود داشته باشد که تمام اقوام و ملّت‌های آن با امنیّت کامل، عدالت، برادری و برابری زندگی کنند و هویت هیچ قوم و ملّتی مورد تهدید و تعرض قرار نگیرد چون علت از میان رفته یا اصلاً وجود نداشته است طرح و تبادل نظر در مورد معلول هم لزوم را از دست داده و به حالتی از اباحه تغییر هویّت می‌دهد.

چهارم: ملی گرائی مکروه

اما در موارد دیگری که ملّت‌خواهی و میهن‌دوستی منجر به موضوعات و مسائلی شود که مورد پسند نیستند و تا آن اندازه هم زیان‌آور نیستند که حرام باشند ملی‌گرایی مکروه خواهد بود به عنوان مثال اگر در کشوری تمام ملّت‌ها و اقوام آن بر پایه و اصول عدالت‌خواهانه

۲۸ – این نوع سیاست [بکارگیری هر وسیله‌ای برای رسیدن به هدف] ماکیاول (۱۴۶۹-۱۵۲۷ م) مجاز می‌شمارد ماکیاول سیاست را از اخلاق جدا می‌شمارد از این جهت "ماکیاولیزم" به معنای به کار بردن روش‌های غیر اخلاقی برای رسیدن به هدف می‌باشد.

زندگی کنند اما افراد یا گروهی تنها برای منافع ملّی خود [البته بدون زیان رساندن به دیگران] تلاش نمایند در آن موقع این نوع تحرکات مکروه خواهد بود چون تمام ملّت‌های جهان برادرند و اگر تلاش و کوشش‌ها بدون امتیاز در راستای تحقق اهداف همگان باشد بهتر است.

پنجم: ملی گرایی سنت

از جهتی دیگر اگر میهن‌خواهی و ملی‌گرایی از طرف مسلمان برای آن باشد که پیامبر چنان بوده است سنت می‌باشد یعنی هر فرد مؤمنی که ملّت و میهنش را به علت پیروی از پیامبر (ص) دوست داشته باشد از اجر و ثواب اخروی بهره‌مند خواهد شد چون از پیامبر اسلام پیروی کرده است.

چنانکه می‌بینیم احکام تکلیفی اسلام هم براساس سه حکم و در سه حالت مجوّز ملّت‌خواهی و میهن‌دوستی و گرایش به ملی‌گرایی معتدل را صادر و آن را تجویز نموده است و در مورد اعتقاد به برتری نژادی و امثال آن هم اعلام نموده است که اغراق در محبت میهن و ملّت حرام است. پس دیدگاه احکام تکلیفی اسلام هم دیدگاه تایید و کنترل است چرا که احکام تکلیفی اسلام همزمان با تایید ملی‌گرایی معتدل براساس سه دلیل [واجب، سنت و مباح آن] از جهتی دیگر به رد آن پرداخته و ملی‌گرایی افراطی را حرام اعلام نموده است اما حالت کراهت گرایشات ملی‌گرایانه اشاره به آن دارد که مواردی هست که بحث و تبادل نظر در مورد ملّت‌خواهی و میهن‌دوستی نه حرام است و نه خوب بلکه مطرح نکردن آن بهتر است هر چند طرح چنین مساله‌ای مهم موجب عذاب اخروی هم نخواهد شد.

این نوع نگرش دقیق و بررسی همه‌جانبه‌ی مطالب و موضوعات حساس نشان از قانونمندی اسلام و جدیّت آن در پرداختن به تحلیل و بررسی مسایل زندگی می‌باشد اسلام همچون نظام‌های ساخته‌ی بشری نیست که سطحی و ظاهری از کناره موضوعات و پدیده‌های مطرح و زنده بگذرد بلکه در مورد هر پدیده و موضوعی با تحلیل دقیق و مطابق با فطرت انسانی موضع‌گیری نموده و نظر خود را اعلام کرده است.

فصل دوم: فرازهایی از قانون اساسی و بین المللی از دیدگاه اسلام

در فصل اول این بخش براساس دلایل اسلامی بیان کردیم که ملّت‌خواهی و میهن‌دوستی در حد اعتدال و با رعایت قانون پرهیز از افراط و تفریط مساله‌ای کاملاً طبیعی بوده و اسلام اصل مساله محبّت ملّت و میهن را ارج نهاده است اینک در این فصل برای توضیح و بیان بهتر موضوع مورد بحث به شرح مختصری از چند اصل از اصول و قواعد اسلامی در مورد ملی‌گرایی می‌پردازیم و همزمان با تشریح اصول و قوانین نامبرده با صراحت کامل دیدگاه اسلام را در زمینه‌ی عدالت، برادری اسلامی و همزیستی مسالمت‌آمیز اقوام و ملّت‌ها با هم بیان خواهیم کرد. خداوند دانا در کتابش در سوره‌ی حجرات آیه ۱۳ با صراحت کامل می‌فرماید: "یا ایها الناس إنا خلقناکم من ذکر و انثی و جعلناکم شعوباً و قبائل لتعارفوا إن اکرمکم عندالله اتقاکم إن الله علیم خبیر" یعنی: ای مردم شما را از پدر و مادری خلق کرده‌ایم تا با هم متعارف صمیمی زندگی کنید و بهترین شما نزد خداوند پرهیزکارترین آن‌هاست و خداوند دانای آگاه است.

اکنون این آیه‌ی قرآن را مورد تحلیل و بررسی قرار می دهیم و همزمان با تشریح بندها و جملات پرمحتوای آن به استنباط اصول و قوانین موجود در آن خواهیم پرداخت.

۱– تمام افراد، اقوام و ملت‌های جهان برابرند.

ابتدای آیه‌ی فوق با عبارت زیبای "یا ایها النـاس" شـروع مـی‌شـود خطاب خداوند در این جمله قوم و ملّتی بخصوص نیست چرا که کلمـه‌ی " الناس" در زبان عربی همه‌ی انسان‌ها را در بر می‌گیرد علاوه بر این آیه در چندین آیه دیگر عبارات دیگری چون "یا بنی‌آدم" و "یا ایها النـاس" به چشم می‌خورد این خطاب‌های عمومی و بدون تبعیض خداوند دلیل بر برابری و مساوات تمام افراد و ملّت‌های جهان در دیدگاه اسـلامی اسـت و لذا دعوت به برتری نژادی محکوم است اسلام اعلام می‌فرمایـد کـه تمـام انسان‌ها برابرند و باید از حقوق مساوی بهـره‌منـد باشـند و هـر گـروه یـا حکومتی که برخلاف این قانون حرکت نماید در حقیقت بـرخلاف اسـلام گام برداشته است و در دادگاه الهی تحت پیگرد قرار خواهد گرفـت. و امـا برای تحقق برابری و ریشه‌کن شدن ظلم اسلام در مرحله‌ی نخـستین بـه دعوت، تعلیم و تربیت انسان اقدام کرده و بعد به تشریح مـسایل عمـومی پرداخته است تا همه این حقیقت را بفهمند کـه جوامـع انـسانی قبـل از تدوین قانون زندگی نیازمند هدایت شخصی می‌باشند چون جوامع بشری بدون انسان‌های هدایت شده و روشن دل به انحـراف کـشیده مـی‌شـود و سرانجام مطلوبی نخواهند داشت.

۲ـ شیوه آفرینش و خلقت دلیل برتری یا نقصان نیست.

بعد از عبارت "یا ایها الناس" در آیه‌ی نامبرده عبارت "إنـا خلقنـاکم" ذکر شده است چرا که خداوند بعد از برابری می‌خواهد گوشزد نمایـد کـه هیچ کس در خلقت خود تـاثیری نداشـته اسـت و لـذا در ایـن مـورد نـه شایسته اکرام و احترام است و نه قابـل تحقیـر و تـوبیخ مـی‌باشـد چـون انسان‌ها هنگامی قابل تشویق و اکرام یا تحقیر و توبیخ خواهند بود که در

حالت اختیار و رضایت به اعمال خوب و پسندیده یا ارتکاب جرائم اقدام کرده باشند اما هنگام سلب اختیار چون علت وجود نداشته است معلول هم مدلول حقوقی و قانونی خود را از دست می‌دهد.

۳- اقوام و ملت‌های جهان اعضای یک خانواده‌اند

در قسمت بعدی آیه عبارت "من ذکر و انثی" دیده می‌شود. در این قسمت آیه مبارکه خداوند اعلام می‌فرماید که سرآغاز نسل انسان از پدری و مادری بوده، تمام انسان‌های جهان اعضای یک خانواده‌اند و حتی مرزهای مصنوعی تعیین بین کشورهای معاصر مورد تایید اسلام نیست۱.

۴- گسترش نسل انسان به اقوام و ملت‌های متفاوت اراده خداوند است پس همه حق آزادی و زندگی برابر را دارند.

در بخش دیگری از آیه‌ی مبارکه مورد بحث خداوند می‌فرماید " و جعلناکم شعوباً و قبائل لتعارفوا" یعنی: شما را به قبایل و ملّت‌های متفاوت تقسیم نموده‌ایم تا همدیگر را شناخته و در جهت پیشرفت و تکامل بهتر و شناخت عظمت خداوند از این تقسیمات بهره‌برداری نمایید. این قسمت از آیه اعلام می‌کند که پیدایش ملت‌ها و قبایل مختلف

---

۱ این ندای دل انگیز قرآن به همبستگی ، اتحاد و محبت میان ملت ها همان حقیقتی است که مارکوس اورلیوس از امپراطورهای ذیشأن روم به آن اقرار نموده و در یکی از گفته هایش اعلام می کند: "من دو میهن دارم به اعتبار این که مارکوس اورلیوس هستم میهنم روم است و به اعتبار اینکه انسانم میهنم جهان است خیر و نیکویی آن است که برای این هر دو میهن نافع باشد" به کتاب سیر حکمت در اروپا جلد ۱ ص ۶۶ مراجعه شود.

براساس اراده‌ی خداوند بوده است پس تلاش در راه حقوق اقوام و ملّت‌ها کوششی هدفمند و ارزشمند در راستای تحقق اراده‌ی خداوند می‌باشد در اینجا برای توضیح بهتر موضوع به پاره‌ای از حقوق ملی [که اسلام آن‌ها را تایید می‌کند] اشاره‌ای مختصر می‌کنیم:

الف- اسلام وجود و بقای هر ملّت و قومی را لازم و ضروری می‌داند هم چنانکه گفتیم پیدایش هر ملّت و قومی براساس اراده‌ی خداوند بوده و دارای حکمت‌های گوناگون می‌باشد.

ب- در اسلام زبان و فرهنگ هر ملّتی محترم و ارزشمند است و پاسداری و مراقبت از آن‌ها لازم و ضروری می‌باشد.

ج- اسلام جشن‌ها و مراسم ملّی تمام ملّت‌ها را محترم و ارزشمند می‌داند به عنوان مثال جشن نوروز که در میان بعضی از ملّت‌های جهان متداول است جشنی کاملاً طبیعی بوده و دارای احترام است.[1] آری هر

---

[1] برخی از مورخین می‌گویند جشن نوروز ریشه‌های دینی و الهی دارد بعنوان نمونه حسن مەحمود حەمە کریم در سلسله کتابهای "خوێندنەوە یەکی نویَ بۆ مێذوی کورد" علت‌های زیر را در این مورد یادآور می‌شود:

۱- نوروز روز پیاده شدن آدم و حوا در سرزمین هندوستان می‌باشد.

۲- نوروز روز فرود آمدن کشتی حضرت نوح بر قسمتی از سلسله کوه‌های آرارات به نام (جودی) می‌باشد.

۳- نوروز روز انقلاب حضرت ابراهیم علیه بت‌پرست‌ها و اقدام به شکستن بت‌هاست.

۴- نوروز روز نجات حضرت ابراهیم از آتشی است که بت پرست‌ها برای سوزاندن او روشن کرده بودند. ←

چند اسلام تمام ملّت‌های جهان را اعضای یک خانواده می‌داند و خواستار نهایت مهربانی و صمیمت است اما هنگامی که شرایطی پیش آید که تحقق چنین امری را غیر ممکن سازد در آن هنگام وحدت و یکپارچگی براساس حدود جغرافیای معیّن و با ویژگی‌های ملّی و میهنی جایز است اما به شرط حفاظت از حقوق مشروع دیگران و عدم تجاوز به آن‌ها!

۵- ملاک برتری انسان مفید بودن و پیروی کردن از حق است.

در بخش دیگر آیه جمله "إن اکرمکم عندالله اتقاکم" آمده است در این عبارت خداوند اعلام می‌نماید که ملاک برتری تقوای خداوند متعال است وقتی افراد و گروه‌ها نیک اختر ، پیروز و بهترند که از زیان رساندن به خود و دیگران بپرهیزند و در راستای پیشرفت و تکامل همه‌جانبه‌ی خود و جامعه گام بردارند. [1] پس از دیدگاه اسلامی هر چند پیشرفت‌های سیاسی، نظامی، اقتصادی و اجتماعی در حد خود معتبرند اما ملاک وجود آن‌ها نیست بلکه ملاک برتری به کارگیری چنین پیشرفت‌هایی در راه اصلاح فرد و جامعه است پس دیدگاه اسلامی این است که در روابط

←۵- از فردوسی نقل شده است که در زمان جمشید (پادشا فارسی زبان) خدا پرستی گسترش یافت و بت پرستی از بین رفت و لذا این روز به روز نوروز تبدیل گردید و ملت‌های مسلمان آن را جشن گرفتند.

[1] - راغب الاصفهانی در "معجم مغردات الفاظ القرآن" ص ۵۶۸ می‌گوید: التقوی جعل النفس فی وقایه مما یخاف و فی‌اصطلاح الشرع: حفظ النفس عما یؤثم: در اینجا با توجه به معنی دقیق تقوا هدف از پرهیزکاری شرح گردیده است.

بین افراد و قوانین بین‌المللی ملاک مفید بودن و از حق پیروی کردن می‌باشد.

۶- خداوند دانا و توانا مراقب اعمال بشریت است.

برای اینکه اقوام و ملّت‌های جهان رابطه‌ای صمیمی، دور از نیرنگ و سالم با هم داشته باشند وجود ناظری دانا و توانا تعامل آن‌ها لازم و ضروری می‌باشد اینک خداوند متعال در آخر آیه مبارکه این مطلب را گوشزد نموده و اعلام می‌فرماید که: "ان الله علیم و خبیر" خداوند دانا و آگاه است یعنی هر قوم و ملّتی که به دیگران ظلم و تجاوز نماید خداوند آن را دیده و انجام دهنده‌ی آنرا مواخذه خواهد کرد پس بر انسان‌ها لازم است که با همدیگر صادق و صمیمی زندگی نمایند در غیر اینصورت به سزای اعمال خود خواهند رسید.

چکیده دیدگاه اسلام در مورد ملی گرایی و روابط بین المللی

هرچند در دو فصل این بخش دیدگاه اسلام را در مورد ملی‌گرایی و میهن‌دوستی شرح دادیم اما برای به دست آوردن چکیده و فشرده‌ای از دیدگاه صریح و آشکار اسلام در اینجا با ذکر چند تبصره بخش را به پایان می‌بریم.

۱- در قرآن و احادیث پیامبر علاوه بر اینکه بر ملی‌گرایی و میهن‌دوستی معتدل تاکید شده است اعلام گردیده است استفاده از احساسات ملّی و میهنی در راستای اهداف غیر مشروع ممنوع و محکوم است چرا که از دیدگاه اسلام تمام انسان‌های جهان اعضای یک خانواده‌اند مرز حقوق آن‌ها هنگامی به پایان می‌رسد که حدود حقوق دیگران شروع می‌شود به

همین خاطر است که پیامبر اسلام فرموده است "لا ضرر و لا ضرار فی الاسلام" بنابراین نه قوم ملّت‌های متعدد حق تجاوز به ملّتی ویژه دارند و نه ملّتی یکه و تنها سروری جهان را باید غصب کند از دیدگاه اسلام شایسته‌سالاری اوج پیشرفت و تکامل است و باید حق، صداقت، عدالت، برادر و برابری بر روابط میان آن‌ها حاکم باشد و تمام انواع دیکتاتوری ممنوع است.

۲- قواعد فقهی اسلامی هم با تیزبینی و فراست کامل در مورد اهداف شریعت و مقاصد آن به تایید و تحسین احساسات ملّی و میهنی پرداخته‌اند اما هنگام تضاد مصالح و تصادم منافع اقوام و ملّت‌ها با هم و عدم وجود ابزار و راهکارهای مناسب برای حل مشکلات و اختلافات میان آن‌ها با سنجش دقیق و عادلانه قاعده‌ی فقهی "یُتحمل اخف الضررین لا تقاء اشدهما" یعنی هنگام وجود دو زیان آسان‌ترین و کمترین آن‌ها را تحمل باید کرد دستورالعمل قرار داده است.

۳- احکام تکلیفی اسلام هم در نهایت دقت و اوج عدالت و انصاف به جوانب مثبت و منفی ملی‌گرایی توجه نموده و متناسب با اوضاع و شرایط زمانی و مکانی برای هر یک از حالت‌های ملی‌گرایی و میهن‌دوستی حکم خاص و دستورالعمل ویژه‌ای را صادر نموده‌اند چرا که مسلمان موظّف است که در هر کاری نهایت دقّت را به کار گیرد و آگاه باشد که با تصمیمات عجولانه از مخلوط شدن افکار و اعمال صحیح و فاسد جلوگیری نماید.

۴- اسلام برای رفع ستم ملی و تعامل ملّت‌ها و اقوام متفاوت با هم قوانین ثابت و تغییرناپذیری را وضع نموده و از راه این قوانین و ثوابت به

تدوین روابط بین‌المللی مناسب پرداخته است. از جمله این قواعد قوانینی است که در موارد زیر بیان می‌شوند:

الف- تمام انسان‌ها سرآغاز مشترک دارند و با هم برابرند.

ب- تمام اقوام و ملّت‌ها براساس اراده‌ی خداوند خلق شده‌اند و با هم برادرند.

ج- شیوه خلقت به هیچ وجه دلیل برتری یا نقصان نیست.

ه- گسترش نسل انسان به ملت‌ها و اقوام مختلف براساس اراده‌ی خداوند بوده و تمام انسان‌ها حق آزادی و زندگی شرافتمندانه دارند.

و- مقیاس برتری مفید بودن و از حق پیروی کردن است.

ز- ناظر همگان و مراقب اعمال بشریت خداوند است و هر که خوب یا بد انجام دهد به اجر و ثواب یا سزای اعمال خویش خواهد رسید.

۵- بشریت دارای ویژگی‌های مشترک است و باید با هم برابر و متحد باشند اسلام در موارد متفاوت و براساس آیه‌های قرآن و احادیث پیامبر به مناسبات گوناگون اعلام کرده است که بشریت ویژگی‌های مشترک دارد و باید هر چه بیشتر و بهتر در راه اتحاد و انسجام خود تلاش نمایند از جمله در دیدگاه اسلامی تمام انسان‌های جهان در موارد زیر مشترک هستند:

الف- تمام انسان‌ها در ایدئولوژی اسلامی سرآغازی مشترک دارند و خداوند آن‌ها را حلق کرده است بنابراین مبدأ همگان خداوند است.

ب- رهبر تمام انسان‌ها حضرت محمد (ص) است همگان باید تابع او باشند و ایشان را الگو قرار دهند.

ج- تمام انسان‌ها برای پیمودن راه زندگی به رهبری حضرت محمد (ص) باید براساس اسلام [که برنامه‌ی زندگی انسان‌ها است] گام بردارند و دین برنامه زندگی آن‌ها باشد و بر روابط میان آن‌ها سایه بیاندازد.
د- از دیدگاه اسلام مقصد و سرانجام تمام انسان‌ها روز رستاخیز است و همه در آن روز زنده می‌شوند و در برابر دادگاه الهی قرار خواهند گرفت.

به عنوان یک واقعیت انکار ناپذیر تاریخی همه باید بدانند که مسلمانان تا زمانی که براساس این موازین و معیارها رفتار می‌نمودند و گام برمی‌داشتند به بهترین موقعیت‌های ممتاز جهانی دست یافته بودند اینک برگ‌های تاریخ شاهد گذشته‌ی پویا و تابناک مسلمانان قرون اولیه است و هیچ فرد و گروه منصفی نمی‌تواند به انکار آن بپردازد.

یکی از بهترن دلایل بر رعایت اصول عدالت و برادری در میان امت اسلامی این است که تمام اقوام و ملّت‌های جهان اسلام در قرن ششم هجری آماده شدند که صلاح الدین ایوبی[1] (که یک کُرد بود)را بر مقتدرترین حکومت اسلامی به عنوان رهبر و فرمانده قبول کنند. اما حکومت عثمانی در روزهای واپسین فرمانروایی خود از این راه صحیح اسلامی غفلت ورزیده بود و مسئولین آن بیشتر به تحقق آرزوهای خود می‌اندیشیدند تا تعقیب اهداف الهی و دینی به همین علت مقدمات سقوط و ظهور انحرافات آماده بود و سرانجام دست تقدیر الهی کار خود را انجام داد و دولت عثمانی که شایسته‌ی فروپاشی و انحلال بود سقوط

---

۱ صلاح الدین ایوبی از نژاد کُرد بوده است و در سال ۱۱۳۷ میلادی متولد شد و در سال ۱۱۹۳ میلادی وفات یافت برای آگاهی بیشتر در این زمینه به کتاب "کُرد و کُردستان" تألیف: امین زکی و ترجمه: حبیب الله تابانی ص ۳۵۷ تا ۳۸۳ مراجعه شود

کرد اینک برای توضیح بهتر موضوع در بخش بعدی کتاب به چشم‌اندازی کوتاه در مورد حکومت نامبرده می‌پردازیم.

وَمَا أَصَابَكُم مِّن مُّصِيبَةٍ فَبِمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ وَيَعْفُو عَن كَثِيرٍ (سوره شورا آیه ۳۰) «و هر [گونه] مصیبتی به شما برسد به سبب دستاورد خود شماست و [خدا] از بسیاری درمی‌گذرد»

بخش سوم:

سقوط دولت عثمانی و ظهور انحرافات در میان مسلمانان

فصل اول: مهم ترین علل سقوط دولت عثمانی

فصل دوم: ظهور انحرافات در میان مسلمانان

وَمَا أَصَابَكُم مِّن مُّصِيبَةٍ فَبِمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ وَيَعْفُو عَن كَثِيرٍ (سوره شورا آیه ۳۰) «و هر [گونه] مصیبتی به شما برسد به سبب دستاورد خود شماست و [خدا] از بسیاری درمی‌گذرد»

خداوند دانا در این آیه اعلام می فرماید که پیروی از هوای نفس و ترجیح اهداف شخصی بر اهداف متعالی و ارتکاب اعمال خلاف سبب جلب مصائب خواهد شد آنچه جالب است و شایان توجه! مفهوم این آیه دقیقاً بر سلاطین عثمانی جاری شد و انحراف آن‌ها سبب گردید تا به انواع مصائب و بزرگترین آن‌ها (از دست دادن رهبری جهان اسلام و گرفتار شدن در دام دشمنان) رو در رو قرار گیرند.

فصل اول: مهم ترین علل سقوط دولت عثمانی

در این بخش در مورد مهم‌ترین علل و عوامل سقوط دولت عثمانی که برخی آنرا خلافت اسلامی نامگذاری کرده‌اند بحث خواهیم کرد اما از آنجا که تحلیل دقیق و بررسی کامل در این زمینه نیازمند کتابی مفصّل است من تلاش خواهم کرد تا به یادآوری مهم‌ترین علل و عوامل پرداخته و از شرح مفصّل مطلب بپرهیزم.

۱- *عدم توجه به قوانین الهی*: شایان ذکر است که سرآغاز و منشاء پیدایش تمام انحرافات و شکست‌ها نادیده گرفتن قوانین الهی، عمل نکردن براساس این رهنمود ها است و این گفته انیشتین تا حدی مقبول است که می‌گوید: " علم بدون مذهب لنگ است و مذهب بدون علم کور است"[۲۹]

۲۹ - به کتاب غرب‌شناسی تالیف سید احمد راهنمایی ص ۱۴۳ مراجعه فرمائید.

آری نادیده گرفتن قوانین الهی و عدم توجه به علوم مختلف علت اصلی تمام شکست‌ها و انحرافات بود و اگر حکّام عثمانی براساس دستورات الهی گام برمی‌داشتند به رکود علمی و جمود فکری مبتلا نمی‌شدند و دسایس دشمنان و رقبای آن‌ها نمی‌توانست تاثیرگذار باشد اما متأسفانه دین واقعی در آن زمان وجود نداشت و عدم کارایی حکّام آشکارا دیده می‌شد.

ابوذر، مقداد، ابو دردا، عمار بن یاسر، معاذ بن جبل، اوبی بن کعب، علی بن ابی‌طالب عبدالله ابن مسعود، زید بن ثابت و عبدالله ابن عباس در آغوش پیامبر امی (ص) پرورش می‌یابند و وقتی نسیمی از صبای اسلام بر آن‌ها می‌وزد از معدود زهّاد و علمای راسخ می‌گردند.

اما ترک‌های عثمانی این واقعیت [آموختن علوم مختلف و عمل به آن بر اساس روش‌های الهی] را نادیده گرفتند آن‌ها هرچند مسلمانان را از شکست قرن هفتم به دست مغولان بر اثر ویران نمودن آخرین امپراطوری اسلامی خوارزمشاه نجات دادند و با فتح قسطنطنیه که حدود هشت قرن کامل در برابر مسلمانان سرسختی می‌کرد ثابت نمودند که در رهبری جهان اسلام و باز پس‌گرداندن قدرت و جایگاه مسلمانان در جهان مورد اعتمادند و در ابتدای حکومت‌شان قبل از هر چیز به استفاده از تجهیزات جنگی به‌خصوص سلاح‌های گرم پرداختند و تازه‌ترین اختراعات جنگی را به دست آوردند و در سه قاره آسیا، اروپا و آفریقا حکومت می‌کردند اما این قوم نیز به انحطاط و سقوط دچار شدند و استبداد و ظلم فرمانروایان در میان آن‌ها سرایت کرد و بدترین عیبی که به آن گرفتار شدند جمود علمی و رکود در تکنیک‌های نظامی و

لشکرداری بود ترک‌ها باز ایستادند و زمان جلو رفت آنان واپس ماندند و اروپاییان سبقت گرفتند سرانجام آخرین سلطان عثمانی‌ها عبدالحمید خان پس از خلع برادرش مراد خان به تخت نشست و در سال‌های ۱۹۰۹ و ۱۹۰۸ گروه اتحاد و ترقی کودتا کردند و عبدالحمید خان معزول و به سالونیک تبعید گردید شهر سالونیک هم در سال ۱۳۳۰ ه ق به دست یونانیان افتاد و عبدالحمید به اروپا گریخت و همان‌جا درگذشت.

۲- *تلاش دشمنان برای فریفتن مسلمانان:* در نتیجه‌ی انحراف دولت عثمانی از راه صحیح دانش و دین این دولت در سال‌های آخر عمرش به "الرجل المریض" و مرد بیمار لقب گرفته بود آنچه بیماری دولت مذبور را بیشتر کرد تلاش‌های دشمنان بود دولت‌های استعمارگر در گذشته ضربه‌های سخت و شکست‌های سنگینی را از دولت عثمانی متحمل شده بودند و خاطره‌ی جنگ‌های صلیبی را فراموش نکرده بودند و لذا در فکر از بین بردن دولت عثمانی بودند یکی از ابزارها برای تحقق این هدف ارسال ایدئولوژی‌ها و رواج افکار غیر اسلامی از جمله ناسیونالیسم افراطی بود که در فصل اول این کتاب تا حد مطلوبی در این زمینه بحث شد.

۳- *تلاش خاورشناسان*[۳۰]: علاوه بر دوری گرفتن دولت عثمانی از دانش و دین واقعی و نفوذ افکار غیر منصفانه چهارمین علت سقوط دولت عثمانی تلاش‌های خاورشناسان و جماعت‌های تبشیری بود در اینجا برخی از فعالیت‌های خاورشناسان را در این زمینه یادآور می‌شویم:

الف- زنده کردن تمدن کهن در برابر تمدن اسلامی به گونه‌ای که توجه مسلمانان به این تمدن‌ها جلب شده و از توجه به اسلام و تمدن اسلامی باز بمانند آن‌ها این کار را با انتشار کتاب و مجله و برگزاری مراسم و یاد بودها و ... با حمایت دولت‌های استعمارگر انجام می‌دادند به عنوان نمونه « دراکفلر میلیونر یهودی آمریکایی که ماسک مسیحیت به روی خود زده است «برسنهر» ادیب مشهور آمریکایی را فرستاد تا ۱۰ میلیون دلار جهت تاسیس «بنیاد بررسی‌های فرعون‌گری» به مصر پیشنهاد کند».

ب- تحریف تاریخ اسلام در راستای رسیدن به اهداف خود به عنوان نمونه خاورشناسان و ملی‌گرایان عرب هم به پیروی از آن‌ها در نوشته‌ها و گفته‌های خود به جای مسلمانان کلمه‌ی «اعراب» را به کار می‌بردند و به جای فرهنگ اسلامی از فرهنگ عربی و به جای قهرمانان اسلام از

---

۳۰ – مصطفی حسین طباطبایی در این زمینه می‌نویسد:" خاور شناسی میراث کنجکاوی‌هایی است که مسیحیان پس از پایان گرفتن جنگهای صلیبی در برابر فرهنگ اسلامی آغاز کردند به طور خلاصه می‌توان گفت خاورشناسی دو انگیزه عمده بر دوش دارد یکی مطالعه شرق و دیگری راهکارهای اجرایی برای تسلط بر آن." برای آگاهی بهتر به کتاب [نقد آثار خاورشناسان] تالیف مصطفی حسین طباطبایی و کتاب [تهاجم فکری] تالیف حیدر عثمانی و ترجمه محمد حسن‌پور مراجعه شود.

قهرمانان عرب در نوشته‌های خود استفاده می‌کردند و حتی بسیار سعی کرده‌اند که مسأله‌ی فلسطین را به عنوان مشکلی عربی و نه اسلامی مطرح کنند.

ج- دولت عثمانی را دولتی فاسد، ظالم و اشغالگر معرفی می‌کنند که مروج ناسیونالیسم ترکی بوده است البته این یک حقیقت آشکار است که دولت عثمانی نواقصاتی عمده‌ای داشت و بعضی از حاکمانش فاسد بودند اما هر چه بود به عنوان نماد و مظهر اتحاد مسلمانان مطرح بود اما من بر این باورم که این دولت را باید دولت عثمانی نه خلافت اسلامی نام نهاد چرا که شرایط خلافت در آن پیروی نمی‌شد.[۳۱] و سلسله سلاطین آن اسلامی و با عدالت رفتار نمی‌کردند.

از جهتی دیگر جماعت‌های تبشیری هم با بدبین‌کردن مسلمانان از اسلام در حقیقت مهمترین عامل وحدت را از آن‌ها گرفتند و تلاش‌های فراوانی کردند تا بر افکار مسلمانان مسلط شوند به عنوان نمونه در راستای هدف نامبرده سال ۱۲۷۹ ه ۱۸۶۳ م تا ۱۲۹۷ ه ۱۸۷۹ م نزدیک به ۷۷ مدرسه‌ی فرانسوی آمریکایی، ایتالیایی، یونانی و آلمانی در مصر شروع به فعالیت کردند و هیأت‌های مذهبی مبلّغ این کشورها این مدارس را اداره می‌کردند و دانشگاه پروتستان سوری در سال ۱۸۶۶ م در راستای اهداف

---

۳۱ - خلفای بنی امیه یا امویان که پس از خلفای راشدین در سال ۴۰ ه ق زمام حکومت کشورهای اسلامی را به دست گرفتند و آخرین خلیفه آنان «مروان دوم» به دست ابومسلم خراسانی در غرب ایران به قتل رسید و همچنین خلفای عباسی هم که به دست عبدالله سفاح بنیان‌گذاری شد و آخرین خلیفه آن‌ها «مستعصم» بود که از سال ۱۲۴۲-۱۲۵۸ م خلافت کرد هیچ‌کدام خلفای برحق پیامبر نبودند راه به حکومت رسیدن آنها راهی انتخابی و اسلامی نبود.

تبشیری در بیروت تاسیس شد در این دانشگاه ابتدا فرزندان مسیحیان را می‌پذیرفتند اما به تدریج فرزندان مسلمان هم وارد این دانشگاه شدند به گونه‌ای که تعداد دانشجویان مسلمان بیش از مسیحیان شد. این تلاش‌ها سبب گردید تا شرایط نامناسب پیش آید و بعدها به علت نبودن دین راستین، عقب‌ماندگی علمی و رکود فکری تلاش‌های دشمنان بر ترک‌ها تاثیر گذاشت و سلطنت آنان را سرنگون کرد ترک‌ها با فاصله گرفتن از دین واقعی و از راه حکومت لائیک که به حمایت دولت‌های استعمارگر روی کار آمده بود و با سر دادن شعارهای قوم‌گرایانه و ظلم و ستم نسبت به ملّت‌های عرب و کرد زمینه‌ی ظهور حرکت‌های ملی‌گرایانه و استقلال‌طلبانه را در میان اعراب و کردها به‌وجود آوردند البته شعارهای ملی‌گرایانه محدودی در میان اعراب به‌خصوص مسیحیان قبل از روی کار آمدن ملی‌گرایی افراطی ترکی شروع شده بود اما رفتار و گفتار ترک‌های ملی‌گرا، ملی‌گرایی عربی را گسترش داد و آن‌ها را برای جدایی و استقلال از دولت عثمانی سوق داد چرا که ژرژانطونیوس در کتاب (بیداری عرب) می‌نویسد:

حرکت نژاد پرستانه‌ی عرب در شهرهای شام در سال ۱۸۴۷ با تشکیل یک جمعیت ادبی با اعضای اندکی در بیروت زیر نظر آمریکا آغاز گردید و ... [۳۲] اما اولین کنفرانس‌های ملی‌گرایانه ترک در سال‌های ۱۹۰۲ و ۱۹۰۷ در پاریس و با حمایت دولت فرانسه بر پا شدند ترک‌ها اگر مسلمانانی راستین بودند و از تیزبینی و آگاهی کامل بهره‌مند بودند

---

۳۲ – به کتاب "بررسی ناسیونالیسم از دیدگاه تاریخی و اسلامی" تالیف حیدر غلامی ص ۶۷ مراجعه نمایید.

می‌توانستند از راه گسترش عدالت و تحکیم روابط برادرانه در میان اقـوام و ملت‌های تحت سیطره‌ی دولت خود از نفوذ دشمنان و حرکات ملی‌گـرا جلوگیری نمایند اما چنانکه گفتیم نبودن علم یا کوتاهی در زمینه‌ی دین و دانش و نبود آگاهی کامل علت‌العلل فروپاشی دلت عثمانیـان گردیـد و سبب شد تا ظلم و ستم ملّی ظهور کند اکنون برای توضیح بهتر موضـوع مورد بحث به چـشم‌انـدازی کوتـاه بـر تجزیـه و تقـسیم دولـت عثمـانی می‌پردازیم:

سقوط دولت عثمانی:

چنانکه در بخش اول این کتاب گفتیم بزرگترین علت شروع جنـگ‌هـای اول و دوم جهانی عبارت بود از ملی‌گرایی افراطی و تمام دولت‌های بزرگ در مورد دولت عثمانی چشم طمع داشتند به همین دلیل دسته‌جمعـی و انفرادی مشغول برنامه‌ریزی در مورد تقسیم ثـروت‌هـای کـلان آن بودنـد کردستان هم به عنوان بخشی از این ثروت جایگاه ویژه‌ای داشـت. بعـد از مباحث بسیار دولت‌هـای قدرتمنـد بـصورت مخفیانـه در مـورد تجزیـه و تقسیم دولت عثمانی به وحدت نظر رسیده و اتفاق پیدا کردند و براسـاس پیمان‌نامه "سایکس پیکو" [۳۳] به شرح زیر نقـشه مـورد نظرشـان را اجـرا کردند:

۳۳ - نماینده انگلستان در این پیمان‌نامه "مارک سایکس" و نماینده فرانسه "جورج‌پیکو" بود به همین دلیل این نشست‌ها به این عنوان نامگذاری شد دسائس دولت‌ها بزرگ در این پیمان‌نامـه بعد از انقلاب اکتبر سال ۱۹۱۷ در روسیه آشکار شد.

در مرحله اول در روز ۱۹ ماه مارس ۱۹۱۶ در میان انگلستان و فرانسه گفتگو شروع گردید نماینده انگلیس "مارک سایکس" و نماینده فرانسه "جورج پیکو" با هم مسایل مورد نظر را مورد تحلیل و بررسی قرار دادند سپس تمام نتایج این نشست بر دولت روسیه عرضه گردید روسیه هم بعد از تحلیل و کشمکش فراوان حاضر به تایید و امضا آن شد.

مرحله‌ی دوم این توافق‌نامه این بود که روز ۲۶ ماه نیسان سال ۱۹۱۶ فرانسه و روسیه یک پیمان دیگر را در مورد مناطق آسیایی دولت عثمانی امضا کردند و بعد از مدت کوتاهی انگلستان هم رضایت خود را در این مورد اعلام کرد.

در مرحله‌ی سوم در روزهای ۹ و ۱۶ ماه مایس ۱۹۱۶ توافق‌نامه‌ی دیگر در همین زمینه در میان انگلستان و فرانسه امضا گردید و سرانجام ثروت‌های کلان دولت عثمانی در میان دولت‌های فاتح تقسیم گردید.[۳۴]

دولت‌های قدرتمند بین‌المللی همزمان با طرح ایدئولوژی‌های مورد پسند خود با به‌کار گرفتن سیاست "تفرقه بیانداز و حکومت کن" توانستند در میان ملّت‌های مسلمان اختلاف بیاندازند و با سر دادن شعارهای میهن‌پرستی و شعله‌ور ساختن احساسات ملی‌گرایانه‌ی افراطی ترک‌ها را متقاعد ساختند تا از سروری و رهبری تمام ملّت های مسلمان دست بردارند و دست به دامن احساسات پوچ

---

۳۴ – برای آگاهی بیشتر در این زمینه به کتابهای زیر مراجعه نمایید:

کتاب (کیَشةی کورد) تالیف دکتر بلة چ شیَرکوَ و ترجمه محمد باقی ص ۳۱ و ۸۸

کتاب"کوردستان لة سالەکانی شەری یەکەمی جیهانی دا" تالیف دکتر کمال مظهر احمد ص ۱۵۷ تا ۱۶۵

کتاب (سوزی نەتەوایەتی) تالیف: علی باپیر

۲- هنگامی که برای رسیدن به اهداف شرعی، ملّی و میهنی راه‌های غیر شرعی دنبال شود چرا که در اسلام مقوله "هدف وسیله را توجیه می‌کند" کاملاً بی‌اساس و بی‌پایه است. [۲۸]

سوم: ملت خواهی و میهن دوستی مباح

اما هنگامی که ملی‌گرایی و تعقیب اهداف پدیده نامبرده به مسایلی منجر شود که ضرر و زیان را در بر نداشته باشد و از جهتی دیگر در برگیرنده‌ی منافعی هم نباشد مباح خواهد بود برای نمونه هنگامی که کشوری وجود داشته باشد که تمام اقوام و ملّت‌های آن با امنیّت کامل، عدالت، برادری و برابری زندگی کنند و هویت هیچ قوم و ملّتی مورد تهدید و تعرض قرار نگیرد چون علت از میان رفته یا اصلاً وجود نداشته است طرح و تبادل نظر در مورد معلول هم لزوم را از دست داده و به حالتی از اباحه تغییر هویّت می‌دهد.

چهارم: ملی گرایی مکروه

اما در موارد دیگری که ملّت‌خواهی و میهن‌دوستی منجر به موضوعات و مسائلی شود که مورد پسند نیستند و تا آن اندازه هم زیان‌آور نیستند که حرام باشند ملی‌گرایی مکروه خواهد بود به عنوان مثال اگر در کشوری تمام ملّت‌ها و اقوام آن بر پایه و اصول عدالت‌خواهانه

---

۲۸ – این نوع سیاست [بکارگیری هر وسیله‌ای برای رسیدن به هدف] ماکیاول (۱۴۶۹–۱۵۲۷ م) مجاز می‌شمارد ماکیاول سیاست را از اخلاق جدا می‌شمارد از این جهت "ماکیاولیزم" به معنای به کار بردن روش‌های غیر اخلاقی برای رسیدن به هدف می‌باشد.

زندگی کنند اما افراد یا گروهی تنها برای منافع ملّی خود [البته بدون زیان رساندن به دیگران] تلاش نمایند در آن موقع این نوع تحرکات مکروه خواهد بود چون تمام ملّت‌های جهان برادرند و اگر تلاش و کوشش‌ها بدون امتیاز در راستای تحقق اهداف همگان باشد بهتر است.

پنجم: ملی‌گرایی سنت

از جهتی دیگر اگر میهن‌خواهی و ملی‌گرایی از طرف مسلمان برای آن باشد که پیامبر چنان بوده است سنت می‌باشد یعنی هر فرد مؤمنی که ملّت و میهنش را به علت پیروی از پیامبر (ص) دوست داشته باشد از اجر و ثواب اخروی بهره‌مند خواهد شد چون از پیامبر اسلام پیروی کرده است.

چنانکه می‌بینیم احکام تکلیفی اسلام هم براساس سه حکم و در سه حالت مجوّز ملّت‌خواهی و میهن‌دوستی و گرایش به ملی‌گرایی معتدل را صادر و آن را تجویز نموده است و در مورد اعتقاد به برتری نژادی و امثال آن هم اعلام نموده است که اغراق در محبت میهن و ملّت حرام است. پس دیدگاه احکام تکلیفی اسلام هم دیدگاه تایید و کنترل است چرا که احکام تکلیفی اسلام همزمان با تایید ملی‌گرایی معتدل براساس سه دلیل [واجب، سنت و مباح آن] از جهتی دیگر به رد آن پرداخته و ملی‌گرایی افراطی را حرام اعلام نموده است اما حالت کراهت گرایشات ملی‌گرایانه اشاره به آن دارد که مواردی هست که بحث و تبادل نظر در مورد ملّت‌خواهی و میهن‌دوستی نه حرام است و نه خوب بلکه مطرح نکردن آن بهتر است هر چند طرح چنین مساله‌ای مهم موجب عذاب اخروی هم نخواهد شد.

يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُم مِّن ذَكَرٍ وَأُنثَى وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِندَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ

«ای مردم ما شما را از مرد و زنی آفریدیم و شما را ملت ملت و قبیله قبیله گردانیدیم تا با یکدیگر شناسایی متقابل حاصل کنید در حقیقت ارجمندترین شما نزد خدا پرهیزگارترین شماست بی‌تردید خداوند دانای آگاه است» (سوره حجرات آیه ۱۳)

این آیه قرآنی تمام اصول و مباحث ملّی را در بر می‌گیرد و لذا سراسر این بخش از کتاب را به توضیح جملات آن بر اساس ادله شرعی اختصاص می‌دهم و تلاش خواهم کرد تا دیدگاه اسلام را در مورد ملی‌گرایی در ضمن تشریع آن بیان نمایم. اینک در فصل اول این بخش با دلایلی برگرفته[1] از منابع معتبر و موثق اسلام به تشریح دیدگاه دین که

---

۱ تا آنجا که من اطلاع دارم علمای اسلام برای استنباط احکام به یازده دلیل تمسک نموده اند که عبارتند از:

۱-قرآن
۲-سنت
۳-اجماع
۴-عرف
۵-قیاس
۶-استحسان
۷-استصحاب
۸-المصالح المرسله
۹-شرع من قبلنا
۱۰- قول صحابی
۱۱- سد زرائع

اما امام شافعی بر این باور است که دلایل کلی فقه پنج فقره و عبارتند از:(قرآن، حدیث، اجماع، قیاس و رأی اصحاب) رجوع شود به کتاب "تجزیه و تحلیل زندگانی امام شافعی" ص ۹۷ تألیف: عبدالله احمدیان. اما در کتاب "الفقه المنهجی علی مذهبالامام الشافعی" جلد ۱ ص ۱۵ تألیف : دکتر مصطفی الخن– دکتر مصطفی البغا– علی الشربجی بر خلاف کتاب ارزشمند استاد عبدالله احمدیان از مصادر فقه اسلامی در مذهب امام ⟵

همان دیدگاه تایید و کنترل است پرداخته و سعی کرده‌ام تا براساس شش دلیل نظر اسلام را اعلام کرده و ثابت نمایم سپس در فصل دوم بخش به توضیح شش اصل از اصول و قواعد اسلامی در مورد ملّت و میهن و چگونگی تعامل با آن پرداخته‌ام.

فصل اول: دیدگاه اسلام در مورد ملی گرایی دیدگاه تایید و کنترل است.

چنانچه گفتم تلاش می‌کنم دیدگاه اسلامی را در مورد ملی‌گرایی براساس شش دلیل که هر یکی از آن‌ها مورد تایید علمای اسلامی می‌باشد ثابت نموده و بیان نمایم چنانکه خواهید دید هر یکی از این دلایل از جهتی ملی‌گرایی معتدل را تایید نموده و از جهتی دیگر به کنترل ملی‌گرایی می‌پردازند تا به ملی‌گرایی افراطی و حرام تبدیل نشوند.

دلیل اول: قرآن.

قرآن کریم ملی‌گرایی معتدل را تایید می‌نماید و برای تجاوز نکردن احساسات ملی‌گرایانه از حدود عقل و منطق و تبدیل نشدن آن به ملی‌گرایی افراطی و حرام به کنترل آن پرداخته است برای اثبات اقرار و تایید موجودیت اقوام و ملّت‌های جهان از دیدگاه قرآن تنها چشم‌اندازی کوتاه بر معنی و مفهوم جمله "وجعلناکم شعوباً و قبائل" از سوره حجرات

← شافعی تنها به قرآن ، سنت، اجماع و قیاس تصریح شده و قول اصحاب فراموش یا کنار زده شده است.

ملی‌گرایی افراطی گردند آن‌ها عملاً از کاخ مجلل اسلام و برادری دینی خارج شدند و به کوخ‌های ترک‌گرایی بازگشتند تا شاید بتوانند بر ویرانه‌های آن رؤیاهای خود را به منصه‌ی ظهور برسانند اما چنانکه دیدیم این سناریو تحقق نیافت و ترک ها چنانکه ضرب المثل کردی می‌گوید: "وه‌ک جوه‌که‌ی له هه‌ر دوک دینان بوون" چرا که هم‌سنگر مهم و پرافتخار برادری، اسلامی و رهبری تمام ملّت‌های مسلمان را از دست دادند و هم در راستای تحقق اهداف ملی‌گرایانه‌ی افراطی خود ناکام ماندند.

علاوه بر آنچه گفته شد رفتار نابجا و غیرمنصفانه ترک‌ها سبب ظهور اختلاف و درگیری در میان ملّت‌های مسلمان شد و ملّت‌های مسلمان کرد و عرب و ترک را به جان هم انداخت و در سایه‌ی این سیاست غیرمنطقی و بی‌اساس امروز مسلمانان در شرایطی قرار گرفته‌اند که برای همگان آشکار است.

اکنون وقت آن رسیده است که مسلمانان به جستجو برای پیدا کردن راه‌حل پرداخته و عظمت گذشته خود را بازیابند.

ما آنچه را که سبب فروپاشی بنیان محکم برادری و برابری میان ملّت‌های مسلمان شد بیان کردیم و توضیح دادیم که چگونه فاصله گرفتن از دین و دانش فریب خوردن به تاکتیک‌های دشمنان مسلمانان را به سوی شکست سوق داد اینک در نهایت اختصار به توضیح برخی از مهم‌ترین انحرافات که بعد از سقوط دولت عثمانی در میان مسلمانان ظهور کرده‌اند می‌پردازیم تا انحرافات مسلمانان به نام دین اسلام قلمداد نشود و همه حق

خواهــان و آزادی خواهــان بداننــد کــه حقیقــت اســلام چیــزی اســت و مسلمانان معاصر چیز دیگرند.

فصل دوم: ظهور انحرافات در میان مسلمانان

خداوند متعال در قرآن در سوره البقره آیه ۱۴۳ می‌فرماید: "و کذالک جعلناکم امه وسطاً لتکونوا شهداء علی الناس و یکون الرسول علیکم شهیداً" یعنی ما برای شما مسلمانان راه میانه را انتخاب کرده‌ایم تا اینکه بر امت‌های دیگر شاهد باشید و پیامبر هم بر شما مراقب باشد.

در این آیه خداوند متعال می‌فرماید که باید مسلمانان میانه‌رو باشند. میانه‌روی یعنی رفتار معقول و منطقی در مقابل پدیده‌ها و جریانات مختلفی که در زندگی برای انسان پیش می‌آید و هدف از منطق و برهان هم پرهیز از "افراط و تفریط" است براساس این آیه مسلمانان باید با پرهیز از افراط و تفریط تلاش کنند. تا ویژگی هدایت بشریت را برای خود محفوظ نمایند و با اعتقاد و اخلاق و نیکی‌های خود بر ملت‌های دیگر مراقب باشند اما چنانکه چندین بار گفتیم امت اسلامی و همچنین دولت عثمانی در روزهای واپسین حکومت خود نه اینکه شایستگی و توان رهبری و مراقبت از ملت‌های دیگر را نداشت بلکه به علت رکود و جمود علمی به "الرجل المریض" معروف شده بودند و در نتیجه عقب‌افتادگی رکود در مقابل جریانات و افکارات ضد دین و تفرقه افکن عکس‌العمل و رفتار معقول و منطقی و سازگار نداشتند چرا که در آن زمان که تفکرات ملی‌گرایانه و ناسیونالیسم به شدت متداول بود و دولت عثمانی هم دارای اقوام و ملت‌های مختلف بود در پیش گرفتن راه حل معقولی برای کنترل احساسات ملی‌گرایانه از مهم‌ترین وظایف دولت بود اما ترک‌ها در این زمینه ناتوان و درمانده بودند.

در دین اسلام هویت هر ملتی محترم است و تمام ملت‌های مسلمان برادر همدیگرند و باید از حقوق مشترک و مساوی بهره‌مند باشند اما در دولت ترک‌ها چنان نبود.

چرا که هر چند نوعی از برادری دینی متداول بود اما آگاهی و دقت در مسائل ملی در حدی نبود که بتواند در مقابل دسیسه‌های استعمارگران به دفاع بپردازد و مقابله نماید و لذا در مقابل دشمن شکست خورد و سقوط کرد و این شکست به بحران‌های متعددی در میان ملت‌های مسلمان منجر شد یکی از بحران‌های ظهور احساسات ملی‌گرایانه افراطی بود مسلمانان به جای برادری و برابری اسلامی به ملت‌ها و اقوام متفاوتی تقسیم شدند و امپراطوری عثمانی به چند کشور کوچک تجزیه گردید.

اینک به مهم‌ترین انحرافات اشاره‌ای مجمل خواهیم کرد:

الف- تجاوز به حقوق همدیگر

در اسلام تجاوز به حریم یک شخص هر چند که کافر هم باشد جایز نیست اما ملت‌های مسلمان معاصر به جان هم افتاده‌اند از هر تاکتیک و نیرنگی برای فریب همدیگر استفاده می‌کنند در دین اسلام حتی برای وضو به هیچ وجه جایز نیست آبی که از طریق سرقت به دست آمده باشد یا غصب شده باشد به کار گرفته شود این در حالی است که نماز یکی از بزرگترین [۳۵] عبادت‌هاست یعنی سرقت و غصب کردن در میان ملت‌ها از دیدگاه اسلام مردود و باطل است حتی اگر برای نماز هم باشد و یک

---

۳۵ - ص ۱۱۸ از کتاب "روناکی رب العالمین" تالیف عبدالله عبدالعزیز هەرتەلی

کوزه آب هم باشد!! اما مسلمانان نه تنها یک کوزه آب بلکه ثروت‌های کلان همدیگر را به سرقت می‌بردند و به تمام حقوق همدیگر تجاوز می‌کنند بدون اینکه کوچکترین احساس خطر نمایند.

همچنین در اسلام در مکان مغصوب حتی نماز خواندن هم حرام است. [۳۶] اما مسلمانان نه تنها میهن و میراث همدیگر را غصب می‌کنند. بلکه به این کارها افتخار می‌کنند

ب: پیدایش افراط‌گرایی

در مورد مهربانی و محبت و تحمل نظرات همدیگر و پرهیز از افراط خداوند می‌فرماید (و ما ارسلناک آلّا رحمه للعالمین) یعنی تو را جهت رحمت به جهانیان فرستاده‌ایم بنابراین پیامبر اسلام رحمت و امت اسلامی و ملّت‌های مسلمان برای جهانیان رحمت و مهربانی هستند. اما به شرط آنکه تابع قرآن و پیرو اسلام راستین باشند. [۲] پیامبر اسلام

۳۶ – ص ۲۷۴ از منبع فوق

۲ جالب این است که حتی در میان نظریه ها کسانی وجود دارند که معتقدند دین می‌تواند راهی به سوی وفاق و تصالح باشد به عنوان نمونه(جون وول) دانشمند و نظریه پرداز آمریکایی برخلاف (هانتینگ تون و فوکو یاما) می گوید" من معتقدم که دین می تواند راه بیه سوی وفاق و تصالح باشد چنانکه می تواند وسیله جنگ و نزاع هم باشد" رجوع شود به روزنامه پیام کردستان) شماره ۳۹ شنبه ۶ آبان ۱۳۸۵ برای توضیح بهتر مطلب لازم می داتم که این موضوع را یادآوری نمایم که اسلام دین گذشت، شادی و رأفت است و هرچه در راستای شادی انسان ثمر بخش باشد در اسلام هم مورد تأیید است به عنوان نمونه در اسلام تمام انواع موسیقی، رقص، پایکوبی و آواز خواندن حرام نیستند. مطالعه کنندگان عزیز را تذکر می دهم که در این زمینه کتاب ارزشمند "هنر از دیدگاه اسلام" تألیف: عالم برجسته دکتر یوسف القرضاوی را مطالعه کنند.

می‌فرماید:" اگر سگ هم یک نوع مخلوق از مخلوقات خداوند نبود دستور می‌دادم آن‌ها بکشند" [۳] مدلول این حدیث بر احترام به حیوانات حتی سگ‌ها دلالت می‌کند.

در تمام جنگ‌های که درصدر اسلام رخ داده واقعی‌ترین و درست‌ترین رویدادهایی است که تاریخ به خود دیده است و از لحاظ خونریزی و تلفات جانی در کمترین درجه قرار دارند تعداد کشته‌شدگان دو طرف مسلمان و کافر در تمام غزوات و سرایا و زد و خوردهای که از سال دوم هجری شروع شده و تا سال نهم ادامه یافت بیش از ۱۰۱۸ نفر نیست [۴] از این تعداد ۲۵۹ نفر مسلمان و ۷۵۹ نفر غیر مسلمان بوده‌اند این در حالی است که تعداد زخمی‌های جنگ جهانی اول بالغ بر ۲۱ میلیون بود و کشته‌شدگان آن ۷ میلیون نفر بودند و در جنگ جهانی دوم ۳۵ میلیون نفر کشته شدند و ۱۳ هزار مدرسه و ۶ هزار دانشگاه و ۸ هزار کتابخانه ویران شدند و ۳۹۰۰۰۰ میلیارد گلوله پرتاب شد.

کلیه ادیان الهی [که در حقیقت یک دین، یک مرام و ایدئولوژی هستند] هنگامی که چنانکه لازم است فهمیده شوند و فرمانروایان آنان را طبق آرزوهای خود تحریف نکنند رأفت محض هستند دوران درخشان فرمانروایان مسلمان در بعضی از مقاطع تاریخی شاهد بر این موضوع است برای اثبات این حقیقت از نظرات تاریخ نگاران مسلمان صرف نظر کرده به استشهاد "جان دیون پورت" نویسنده معروف مسیحی اکتفا می‌کنیم او می‌گوید:« کیست که برای آخرین بقایای امپراطوری اسلامی

---

۳ حدیث را ابو داود و ترموزی روایت کرده اند به کتاب" اسلام و جهانی شدن" تألیف: دکتر یوسف قرضاوی و ترجمه: موسی تیموری قلعه نوعی ص ۱۷ مراجعه شود

[۴] - به کتاب "سیره رحمه للعالمین" تالیف: قاضی محمد سلیمان منصور پوری مراجعه شود.

در اسپانیا به عزاداری ننشسته باشد و در قلب خود برای این ملت قهرمان جاسازی نکرده باشد امپراطوری که در طول مدت ۸۰۰ سال فرمانروایی در اسپانیا حتی تاریخ‌نگاران مخالفشان هم نتوانستند یک سطر را در مورد انحراف و ظلم آنان بدست بیاورند و بنویسند[۱]» و اما حساب کردن بعضی از قرائت‌های خشن از دین را نمی‌توان خود دین به حساب آورد زیرا در هر مکتب و ایدئولوژی می‌توان قرائت‌های متفاوتی را پیدا کرد و نادیده گرفتن کلیه‌ی قرائت‌ها از دین و چسبیدن به یک نوع بینش ظلم است و فریب‌کاری محسوب می‌گردد.

ج: قرار دادن دین در خدمت دنیا

سکولاریسم غرب حق داشت که می‌گفت:" آخرین پادشاه را با رودهٔ آخرین کشیش آویزان کنید[۲] و اعدام نمایید" چرا که پاپ‌ها و فرمانروایان د رغرب هر یک از دیگری ظالم‌تر بودند و انواع جرایم را مرتکب شدند اما این موضوع تنها مربوط به اوضاع و احوالی است که ادیان الهی تحریف شوند و دین در خدمت دنیا قرار گیرد چرا که تمام ادیان الهی برای خدمت به انسان و رهنمایی او فرستاده شده‌اند و هرگاه چنان نباشد باید به دنبال پیدا کردن نقطه ضعف و انحراف باشیم و هرگاه دین در خدمت اهداف سیاسی انحرافی بخشی از مردم قرار گرفت[۴] عصیان در برابر

---

[۱] – به کتاب "عذر تقصیر به پیشگاه محمد و قرآن" ص ۱۰۵ – ۱۰۶ مراجعه شود.

[۲] – به پاورقی ۱ ص ۲۲ مراجعه شود.

[۴] برای آگاهی بیشتر در مورد انحراف کلیسا و رفتار غیر معقول آن نکات زیر را یاد آور می شوم

طغیان اجتناب‌ناپذیر خواهد شد در این زمینه هیچ دینی مستثنی نیست چنانکه آیین منحرف شده‌ی مسیحی در قرن وسطی کـه از سـال ۴۸۶ م شروع می‌شود علاوه بر معنویات و جوانب روحی به شیوه‌ای غیر معقول بر اعتقادات اجتماعی مردم هم مسلط شده و خـونریزی و بلایـا هجـوم آورد

الف- در قرون وسطی بحث علمی و حکمت تقریباً منحصر بود به آنچه در مـدارس کلیسا واقـع می شود.

ب- به طور کلی تحقیقات علمی و حکمت برای اثبات اصول دین بود نه کشف حقایق دیگر./

ج-استقلال فکر و آزادی رأی در کار نبود در آغاز امر اتکا و استناد همـه بـر منـدرجات کتـب مقدس و احکام و تعلیمات اولیا دین بود هرکس از آن تعلیمات بیرون می شود گرفتـار تکفیـر و حبس و آزار می گردید یا می بایست توبه کند اما در آغاز قرن چهـاردهم قـرون وسـطا رو بـه پایان بود و رنسانس جایگزین آن می شود نهـضت علمـی و رنـسانس از سـال ۱۳۰۰ در ایتالیـا شروع شود و در عرض ۳ قرن در سراسر اروپا انتشار یافت کلیسا های کاتولیک هـم در اواخـر قرون وسطا دچار مشکلات داخلی خود بودند و سر انجام قرن پانزدهم را می توان یکـی از مهـم ترین دوران‌ها از لحاظ کنکاش های تاریخی دانست چـرا کـه در سراسـر اروپـا و خـاور میانـه محقیقن قفسه های غبار گرفته صومعه‌ها و ساختمان های عمومی قدیمی را جـست جـو کردنـد و گنج هایی در آنها یافتند این گنج ها طلا و نقره نبودند بلکه دست نوشته‌هـای یونـانی و رومـی بودند که در نتیجه نوشته های باقی مانده از نویسنده گان کلاسیک از جمله افلاطـون، سیـسرو، سوفوکول، و پلوتارک به دوران رنسانس رسید محقیقن که شاهزاده گان، بازرگانان و سایر افـراد توانگر از آنان حمایت می‌کردند کارشان را به خوبی انجام دادند، در سال ۱۵۰۰ آن‌ها تقریباً تمام متون باستانی را که امروزه موجود اند یافته بودند و گرد آورندگان قدرتمند این دست نوشته هـا را برای نگهداری مجموعه رو به افزایش شان کتابخانه هایی ساختند این کتابخانه‌ها کسانی را که به شناخت هرچه بیشتر افراد بزرگ اندیشه ها و هنر باستان علاقه داشتند به خود جلب می کردند این شناخت سبب شکل گیری رنسانس شد.

در قرون وسطی تمام حکومت‌های غرب خود را نماینده‌ی خداوند معرفی می‌کردند و مردم حق انتخاب نداشتند در این حکومت‌ها پاپ‌ها و فرمانروایان هر چه می‌خواستند انجام می‌دادند و کلیساها هم این استبداد را تایید می‌کرد در نتیجه شرایطی به وجود آمد که مردم به مخالفت برخاسته و سر به شورش زدند انقلاب فرانسه (۱۷۸۹) و انتشار اعلامیه حقوق بشر (۱۹۴۸/۱۲/۱۰) بخشی از تلاش برای رهایی از این هلاکت و دردسرها است اما در جوامع دینی تمام افراد حتی افراد غیر دینی هم با هم مساوی و برابرند اگر چنان نباشد چنین جامعه‌ای خصوصیت دینی خود را از دست می‌دهد آیات قرآن مبیّن این واقعیت‌اند که عبادت خداوند و خدمت به مردم انفکاک ناپذیرند "... اعبدو ربکم و افعلوا الخیر لعلکم تفلحون" سوره الحج پس تمام احکام الهی در دو مسئله خلاصه می‌شوند:

۱- با خدا بودن، خدایی رفتار کردن

۲- خدمت به مردم و اخلاق پسندیده

"الدین الصدق مع الحق والخلق مع الخلق"

بنابراین رعایت حقوق مردم همراه خداپرستی دو رکن اساسی دین هستند و نبود هر یکی از آن‌ها دلیل بر خلل و نقصان در دین می‌باشد به همین دلیل مسلمان موظف است با احترام به نظرات دیگران و رعایت حقوق مردم به هر نام و نشانی که باشد اسلام بودن خود را اثبات نماید اگر از این دریچه به جهان معاصر بنگریم به این حقیقت خواهیم رسید

که احترام به دموکراسی و معقول و منطقی بـا آن رفتـار نمـودن از لـوازم بیداری مسلمانان است.[37]

د: عدم توجه به حقوق زن[38]:

---

۳۷ – در میان اندیشمندان و سیاست‌مداران نظرات مخالف و متفاوت وجود دارد بعـضی مخـالف دموکراسی و بعضی دیگر موافق آنند از جمله مخالفان ونستون چرچیـل، رسـو، برنارشـو، ویلـز، سقراط، افلاطون و ارسطو هستند به عنوان نمونه ارسطو می‌گوید:" دموکراسی اساساً خطرنـاک است زیرا راه را می‌گشاید تا اکثریت مردم بتوانند حکومت کنند. اما اکثریت مردم چـون تربیـت درستی ندارند دنباله‌روی پست‌ترین غرائز خواهند شد ." رجوع شود به مجله (اطلاعات سیاسی اقتصادی) شـماره ۱۷۰ – ۱۶۹ ص ۱۱۵-۱۰۲ و کتـاب ئه‌فـسانه‌ی دیَموکراسـی تـالیف فاضـل قه‌ره‌داغی ص ۳ در میان نویسندگان اسلامی هم محمد شاکر شریف بـشدت مخـالف دموکراسـی است اما دکتر یوسف القرضاوی با آنْ موافق است رجوع شود به کتاب‌های "حقیقه الدیمقراطیه" تالیف محمد شار شریف و کتاب "من فقه الدوله فی الاسلام" تالیف دکتر یوسف القرضاوی.

۳۸ – بخاطر اهمیت و حساسیت موضوع زن و جنبش فمینیسم در جهان معاصر اینـک در نهایـت اختصار چند مسأله را یادآور می‌شوم:

۱– تمام افراد و گروه‌هایی که در مورد زن ظلم کرده‌اند دینی و غیر آن در پیش‌گاه الی بر اساس آگاهی و معلومات خود در روز قیامت محاسبه خواهند شد و به خاطر ارتکاب جرائم وحـشیانه‌ی خود در آن روز شرمسارند علاوه بر آن اعمال خلافکارانه آن‌ها ←

در قرآن کریم سوره‌ای به نام "الرجال" مردان وجود ندارد اما یکی از مفصل‌ترین سوره‌های قرآن سوره "النساء" زنان! نام دارد این مطلب نشان می‌دهد که در دین الهی زن دارای احترام و تقدیر است یکی از دروغ‌های شاخداری که برخی از مسلمانان نادان تکرار می‌کنند این است که

← در تاریخ ثبت شده و به عنوان دور آن سیاه تاریخ و کوته فکری جایگاه معین و ویژه‌ای را در تاریخ بشریت خواهد گرفت و آیندگان بر آن نفرین می‌فرستند. تجاوز مسلمانان (اما نه اسلام) به حریم زن و همچنین قانون تبعیض‌آمیز انگلستان در سال ۱۸۵۰ و اعمال خلافکارانه "هنری هشتم" از فرمانروایان انگلیس که تلاوت کتاب مقدس را برای زنان ممنوع اعلام نمود از جمله این مواردند و همه باید بدانند که زن هم علاوه بر اینکه دارای جایگاه ویژه است مادر انسان‌ها روی زمین و تربیت کننده پیامبران، حکما و فیلسوفان و اندیشمندان بوده است و این افتخاری عظیم است و ماندگار.

۲- بعد از انقلاب فرانسه و نجات از سایه شوم کاپیتالیسم و به اسارت افتادن دوباره در سایه شوم سرمایه‌داری مردها به تظاهرات و اعتصاب روی آوردند متقابلاً سرمایه‌داران هم به تحریک زن برای اشتغال به کار پرداختند و سرانجام زن به میدان کار و کارگری آمده مشغول به کار کردن شد اما نصف کرایه را دریافت می‌نمود اینجا بود که مسأله حقوق زن پیش آمد اما فمینیسم به عنوان یک نهضت سیاسی در سال ۱۸۴۸ در آمریکا مطرح شد و در همین سال نخستین منشور دفاع از حقوق زنان در آمریکا اعلام گردید و از آن پس دانشمندانی چون آگوست کنت (۱۸۵۷) و جان استوارت میل (۱۸۶۹) نظریه برابری زن و مرد را مطرح کردند و در اوایل قرن بیستم جنبش طرفداری از حقوق زن در انگلستان به رهبری دوشیزه پانک هورست آغاز گردید وی در آستانه‌ی جنگ جهانی اول افکار عمومی انگلستان را متوجه خود ساخت. برخی دهه اول قرن بیستم را سال‌های خیزش موج اول فمینیسم، می‌نامند.

۳- در مورد جنبش فمینیسم باید هوشیار بود چرا که ظاهراً چنان دیده می‌شود که در زمینه مذبور اغراق و افراط اعمال می‌شود بسیار لازم است که بدانیم و دیگران را هم یاد بدهیم که ازادی معقول و در چهار چوب قواعد عقلی و کرامت انسانی با آزادی مطلق بی‌بندو بار متفاوتند.

می‌گویند زن لباس مرد است اما قرآن می‌فرماید "هن لباس لکم و انتم لباس لهن" یعنی زن و مرد هر دو با هم لباس همدیگرند البته منظور اسلام این است که زن و مرد عیوب همدیگر را پوشیده و محرم راز هم‌دیگرند و هدف تحقیر و توبیخ هیچ کدام از زن و مرد نیست.

در احادیث پیامبر و آیات قرآنی "لتسکونوا الیها" و "علیک بالقواریر" آمده است و زن به شیشه که نماد پاکی و شفافیت است و به مایه‌ی آرامی قلب‌ها که بهترین نعمت‌های دنیا است تشبیه گردیده است همچنین پیامبر اسلام می‌فرمایند "خیرکم خیرکم لأهله و أنا خیرکم لأهلی" یعنی بهترین شما کسی است که در قبال همسرش رفتار خوب و پسندیده داشته باشد و من از همه شما با خانواده‌ام بهترم.

اما مسلمانان منحرف با سلب آزادی و تحقیر و توبیخ زنان کاری کرده‌اند که گویا زن را انسان نمی‌دانند که از دیدگاه اسلام چنین راه و روشی پنداری باطل است و انکار حقایق و عدم توجه به واقعیت‌ها نشان جهل و بدبختی محسوب می‌گردد.[۳۹]

آنچه در اینجا شایان ذکر است بعضی از تقالید متعارف در جامعه ما وجود دارند که هیچ ارتباطی با دین واقعی و اصیل ندارند از جمله:

الف- زن به زن [ژن به ژنه].

ب- ممانعت از پرداخت حقوق ارثی به زنان.

ج- ممنوع کردن زنان از انتخاب همسر مورد علاقه خود.

[۳۹] – برای آگاهی بیشتر در مورد جایگاه زن در اسلام به کتاب "زن در میان شفافیت شریعت الهی و تیرگی فرهنگ غرب" تالیف: سعید رمضان بوطی ترجمه فرید قادری مراجعه کنید.

که بر هر مسلمانی واجب است در مقابل این گونه رفتارها به مقابله بپردازد و به هیچ وجه تسلیم شرایط متعارف جامعه نشود.

چنانکه دیدیم اسلام با انحرافات مسلمانان در تضاد است و اگر واقعیت را بپذیریم باید اعلام کنیم که اسلام دینی پویا، شفاف، سازگار منطقی است اما مسلمانان معاصر افرادی بی‌توجه و نالایق هستند برای درک این حقیقت کافی است که به نصوص قرآن و احادیث صحیح پیامبر و تاریخ اسلام مراجعه کنیم که همه چیز بر ما عیان خواهد شد به همین دلیل است که مورخ انگلیسی "سیر توماس آرنولد" می‌نویسد:"اسلام تنها راه‌حل مشکلات و ناهنجاری‌های جهان است و حوادث گذشته این گفته من را ثابت می‌کند" و لذا توجه به این مساله‌ی مهم که حقیقت اسلام با روش مسلمانان معاصر فرق دارد خیلی مهم و ضروری است.

ضمانت اجرای عدالت

هر مکتب و ایدئولوژی هر چند پاک و با دقت تهیه و تدوین شده باشد تا ضمانت اجرایی نداشته باشد در حد یک خواب و خیال باقی می‌ماند اما چنانکه این ضمانت به وجود آید موجب پیدایش اطمینان و انسجام جامعه خواهد شد و مردم از چنین ایدئولوژی و مکتبی با جان و دل استقبال خواهند کرد.

اینک در اسلام چنین ضمانتی موجود است و تاریخ گذشته بهترین شاهد بر این موضوع می‌باشد برای اثبات این مساله تنها به بازگویی یک مورد اکتفا می‌کنیم در سال ۹۲ هجری "قتیبه بن مسلم" فرمانده‌ی فتوحات خاوری (آسیای میانه) به پشت دروازه‌های سمرقند می‌رسد و چند ماهی شهر را در محاصره‌ای تنگاتنگ قرار می‌دهد ولی موفق به تصرف آن نمی‌شود بالاخره با حاکم سمرقند پیمان صلح را امضا می‌کند و آنگاه که دروازه‌های شهر گشوده می‌شود و حالت فوق‌العاده از مردم و سربازان مدافع شهر برداشته می‌شود از فرصت استفاده کرده و با یک حمله غافلگیرانه سمرقند را اشغال می‌کند هفت سال بعد ۹۹ هجری که عمر بن عبدالعزیز خلیفه‌ی مسلمانان می‌شود یکی از اهالی سمرقند این مسئله را به جریان انداخته و از اشغال سمرقند از راه غدر و خیانت شکایت می‌کند و عمر بن عبدالعزیز قاضی سمرقند را مسئول رسیدگی به شکایت می‌کند سرانجام مردم حکم قاضی را بدین مضمون از جارچیان شنیدند « چون فتح شهر از روی غدر صورت گرفته است بنا به حکم قاضی مسلمانان سربازان و پادگان نظامی مسلمانان هر چه زودتر باید شهر را تخلیه نمایند و به جز وسایلی که هنگام تصرف شهر همراه

داشتند هیچ چیز را با خود خارج ننمایند تا درباره‌ی اقدامات بعدی دستورات لازم اتخاذ گردد» مردم ناباورانه به صدای جارچیان گوش می‌دادند و گمان نمی‌کردند که این حکم عملی شود که در این هنگام پادگان نظامی را دیدند که به سرعت شهر را تخلیه می‌کند مردم خارج از شهر به دست و پای سربازان و افسران مسلمان افتاده و از آنها خواهش می‌کردند که بدون توجه به حکم قاضی به شهر باز گردند ولی آن‌ها به سرعت از شهر فاصله می‌گرفته درصدد بودند که در یک منطقه استراتژیک مستقر شوند سپس مردم به نزد فرمانده آمدند و او هم از بازگشت به شهر سرباز زد و افزود:

" ما به حکم قاضی که حکم دین ما است شهر را تخلیه می‌کنیم و قضیه را از صفر شروع می‌کنیم یا مسلمان شوید و برادر یک‌دیگر باشیم یا با ما صلح کرده و جزیه بپردازید و تحت حمایت ما قرار گیرید و یا تا چند روز دیگر که به شما ابلاغ خواهیم کرد شهر را محاصره کرده به آن حمله خواهیم کرد." مردم هنگامی که به صداقت سربازان و مسلمانان پی بردند همگی به اسلام گرویدند و از آن زمان سمرقند جزو دارالاسلام قرار گرفت. آری هنگامی که انسان در اوج صداقت و اخلاص قرار گرفت.

موجب عزت و شرف خود شده و دلیل بر برحق بودن و برتر بودن مکتب خود خواهد شد. اما اینکه انسان آنچنان با شهامت و صداقت رفتار نماید که موجب تضمین اجرای دستورات الهی در میان مردم شود قله‌ای بسیار رفیع است و هر کس نمی‌تواند چنین توانی را داشته باشد به همین دلیل اگر حقیقت را پنهان نکنیم در مورد مسلمانان معاصر و چگونگی رفتار نمودن آنها به اسلام ناچار باید دین واقعی را تبرئه نموده و اعلام

نماییم که: خداوند چنین پیامی را نفرستاده و مسلمانان آگاه چنین دینی را قبول ندارند.

"و آخردعوانا أن الحمد الله رب العالمين"

پایان

محمد قادری

سردشت

درمان‌آباد

منابع:

۱- قرآن کریم و احادیث پیامبر
۲- الوجیز فی اصول الفقه: تألیف الدکتر عبدالکریم زیدان
۳- اسلام و ملی‌گرایی: تألیف دکتر محمد نقوی
۴- اجتهاد و سیر تاریخی آن از دیدگاه اهل سنت: تألیف احمد نعمتی
۵- زن در میان شفافیت شریعت الهی و تیرگی فرهنگ غرب: تألیف سعید رمضان بوطی ترجمه فرید قادری
۶- بررسی ناسیونالیسم از دیدگاه تاریخی و اسلامی: تألیف حیدر غلامی
۷- سوزی نەتەوایەتی: تألیف علی باپیر
۸- تاریخ جنگ جهانی دوم: تألیف سپهبد محمد نخجوان
۹- جنگ جهانی اول چاپ دوم تألیف پیررنوون ترجمه عباس آگاهی
۱۰- کلیات عقاید ابن خلدون درباره فلسفه تاریخ و تمدن تألیف دکتر عزت الله رادمنش
۱۱- نقد آثار خاورشناسان: تألیف مصطفی حسین طباطبایی
۱۲- الورقات تألیف امام الحرمین
۱۳- دیمەنی شارستانیەتی روژئاوا: تألیف موسوی لاری
۱۴- کند و کاوی در اوضاع جهان: تألیف ابوالحسن ندوی ترجمه: عبدالحکیم عثمانی
۱۵- کێشەی کورد تألیف دکتر بلەض شێرکۆ ترجمە محمد حمەباقی
۱۶- کوردستان لە سالّەکانی شەری یەکەمی جیهانی دا تألیف دکتر کمال مظهر احمد
۱۷- اعترافات دانشمندان بزرگ جهان تألیف خلیل‌الله مردانی
۱۸- مجله الشعون العربیه

۱۹- کیف هدمت الخلافه تألیف عبدالقدیم زلّوم
۲۰- العرب و الاسلام تألیف ابوالحسن ندوی
۲۱- الطریق الی الحکم الاسلامی تألیف استاد علی الفتاوی
۲۲- الحلول المستورده تألیف دکتر یوسف القرضاوی
۲۳- معجم معزدات الفاظ القرآن تألیف راغب الاصفهانی
۲۴- کتاب (روناکی رب العالمین) تألیف عبدالله عبدالعزیز هەرتەلی
۲۵- سیره رحمه للعالمین تألیف قاضی محمد سلیمان منصور پوری
۲۶- سلسله کتابهای (خوێندنەوەیکی نویَ بۆ میَذوی کورد) تألیف حسن محمود حەمە کریم
۲۷- اعجاز قرآن در عصر فضا و تکنولوژی تألیف کمال روحانی
۲۸-سیر حکمت در اروپا نگارش محمد علی فروغی
۲۹- بنیاد های علم سیاست: تألیف عبدالرحمن عالم
۳۰- کتاب رنسانس تألیف جیمزآ- کوریک و ترجمه آزیتا یاسائی
۳۱- السنن الاهیه فی الأمم و الجماعات و الافراد فی الشریعه الا سـلامیه تألیف دکتر عبد الکریم زیدان.
۳۲- کرد و کردستان تألیف امین زکی و ترجمه حبیب الله تابانی
۳۳- کتاب دیمه نی شارستانیه تی روز آوا تألیف: موسوی لاری
۳۴- حقیقه الدیمقراطیه، تألیف : محمد شاکر شریف
۳۵- ئه فسانەی دیمکراسی، تألیف: فاضل قره داغی
۳۶- کتاب سقراط تألیف: منوچهر ترابی